

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نقش پژوهش در فرایند قانونگذاری  
(مجموعه سخنرانی‌ها)

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

عنوان: نقش پژوهش در فرایند قانونگذاری (مجموعه سخنرانی‌ها)

به کوشش: حسین اسدی، قاسم میرخانی، ناهید عطاردی

شیوا امین اسکندری، نسیم ثانوی

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نوبت چاپ: اول؛ بهار ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱
سخنرانی آقای دکتر کاظم جلالی (رئیس مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی) .....	۳
سخنرانی آقای دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) .....	۹
سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمدحسن ابوترابی فرد (نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی) .....	۲۱
سخنرانی آقای مهندس رضا عبدالهی (نماینده مجلس شورای اسلامی) .....	۲۹
سخنرانی آقای دکتر لطف الله فروزنده (معاون رئیس جمهور در امور مجلس) .....	۴۱
سخنرانی آقای دکتر محسن اسماعیلی (حقوق دان شورای نگهبان) .....	۴۷
سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین آقای احمد مبلغی (رئیس مرکز تحقیقات اسلامی قم) .....	۶۱
سخنرانی آقای دکتر محمد نهاوندیان (رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران) .....	۶۹
سخنرانی آقای دکتر حسن سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران) .....	۸۳
سخنرانی آقای دکتر رضا روستاآزاد (رئیس دانشگاه صنعتی شریف) .....	۹۵



## مقدمه

کار قانونگذاری بر سه وظیفه اصلی متمرکز است: وضع قانون، نظارت و نمایندگی. وضع قانون از طریق تحلیل نیازهای قانون، نظارت بر ارزیابی تأثیرات قانون و نمایندگی از طریق سهیم کردن ایده‌های محلی (حوزه‌های انتخابیه) در تصمیم‌گیری‌های ملی، مجموعاً موضوع قانونگذاری را شکل می‌دهند. در این امر، تشخیص مسائلی مانند نیاز، تأثیرات و ایده‌های محلی که مجلس را به وضع قوانین مطلوب و مناسب قادر می‌کند، در اصل به اطلاعات، تحلیل و پژوهش‌های نظام‌مند و به عبارتی پژوهش قانونگذاری وابسته است. کارکرد اطلاعات و پژوهش در کنار کارکردهای وضع قانون، نظارت و نمایندگی، حکایت از پیوند ضروری میان پژوهش و قانونگذاری دارد که این پیوند به توسعه قانونگذاری می‌انجامد.

امروزه نقش و کارکرد پژوهش پارلمانی به‌شدت مورد توجه پارلمان‌های کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است؛ چرا که مجالس برخوردار از بازوهای علمی و تحقیقاتی سازمان‌یافته با دیگر مجالس در «روش و نتیجه» قابل مقایسه نیستند.

مجلس شورای اسلامی نیز با درک ضرورت‌های یاد شده، از اواخر سال ۱۳۷۱ مرکز پژوهش‌ها را بنا نهاد که مراحل قانونی تأسیس آن در سال ۱۳۷۴ انجام شد.

از این‌رو مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از طریق نخستین همایش «نقش پژوهش در فرایند قانونگذاری» که در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۷ با شرکت رئیس، نواب رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران و پژوهشگران مرکز پژوهش‌های مجلس و اساتید و محققان حوزه و دانشگاه در محل (قدیم) مجلس شورای اسلامی برگزار شد، تلاش کرد تا با معرفی دستاوردهای ارزشمند خود در هجده سال فعالیت پژوهشی و تحقیقاتی، زمینه آسیب‌شناسی و بهبود عملکرد خود را فراهم نماید.

کتاب حاضر مجموعه سخنرانی‌های تعدادی از فرهیختگان مجلس، حوزه و دانشگاه در این همایش یک‌روزه است که تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

**کاظم جلالی**

**رئیس مرکز پژوهش‌ها**



سخنرانی آقای دکتر کاظم جلالی  
(رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس  
شورای اسلامی)



بسم الله الرحمن الرحيم، افوض أمري الى الله ان الله بصير بالعباد. در ابتدا هفته بسیج و یاد و خاطره امام عظیم‌القدر و بزرگوارمان را که شجره طیبه جمهوری اسلامی ایران و این انقلاب شکوهمند اسلامی به همت آن رادمرد و ابرمرد بزرگ تاریخ غرس شد، و همچنین یاد، نام و خاطره شهید دکتر مفتاح را گرامی می‌داریم که در چنین روزی (۲۷ آذر ماه) در دانشگاه تهران توسط تروریست‌های کوردل به شهادت رسید.

تشکر می‌کنم از آقای دکتر لاریجانی، رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و همه عزیزان، بزرگواران و سرورانی که امروز در جمع خانواده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، برای قدرشناسی از فرزندان تلاشگر خودشان در مرکز، گردهم آمدند و عملاً با حضور خود ما را تشویق کردند. همکاران ارجمند و بزرگوارم در مجلس شورای اسلامی که در خدمتشان هستیم؛ معاونان محترم رئیس مجلس، معاون نظارت، جناب آقای مظفر، معاون اجرایی جناب آقای مهندس افراشته و جناب آقای شیخ‌الاسلام مشاور و مدیرکل بین‌الملل مجلس و همه عزیزانی که حضور دارند.

به مناسبت هفته پژوهش این همایش با دو هدف عمده برگزار شده است؛ هدف اول و اصلی، تشکر و قدرشناسی از مجموعه مرکز پژوهش‌هاست که این اتفاق میمون و مبارک، هفده سال پیش در مجلس شورای اسلامی کلید خورد و مرکز

پژوهش‌ها با ریاست جناب آقای دکتر محمدجواد لاریجانی تأسیس شد. من از روزهای آغازین مرکز پژوهش‌ها در مرکز بودم. آن زمان کسی تصور نمی‌کرد که این مرکز بتواند در مجلس و کشور، چنین جایگاهی را کسب کند. در طول این مدت، مرکز پژوهش‌ها توانست خدمات بسیار مفیدی را به ارکان نظام و یکی از مهم‌ترین کانون‌های تصمیم‌گیری نظام (یعنی مجلس) ارائه کند و در امر مشاوره دادن به نمایندگان ارجمند و بزرگوار مجلس شورای اسلامی نیز قدم‌های مثبتی بردارد.

امیدوارم در این دوره‌ای که اراده بر این تعلق گرفت تا حقیر در خدمت این مجموعه باکفایت و دوستان عزیزم در مرکز باشم، نگاه جدیدی را ازسوی همکارانمان در مجلس شورای اسلامی از جهات مختلف شاهد باشیم و بتوانیم سطح همکاری‌ها را به نوعی ارتقا بخشیم. همچنین با توجه به اهمیت «پژوهش در امر قانونگذاری» و آثار و نتایج آن در کشور، می‌توانیم به مسئولیت سنگین مرکز پژوهش‌ها پی ببریم.

به‌طورقطع اگر در جایی خدمت می‌کردیم که کارفرمایانمان (نمایندگان) نیاز کمتری به کار ما احساس می‌کردند، مسئولیت‌مان نیز این‌قدر سنگین نمی‌شد ولی هم‌اکنون در موقعیتی قرار گرفته‌ایم که نسبت به گزارش‌های پژوهشی مرکز این نیاز کاملاً احساس می‌شود. این امر در نظام اسلامی، دینی و اعتقادی همچون جمهوری اسلامی ایران، وظیفه ما را سنگین‌تر کرده و جدیت بیشتری را می‌طلبد. بنابراین همیشه در مرکز پژوهش‌ها بر این باوریم که کار ما بی‌عیب و نقص نیست و به‌تبع باید ازسوی نمایندگان مجلس، مورد نقادی،

راهنمایی و ارشاد قرار گیرد تا بتوانیم سطح مرکز را ارتقا دهیم. هدف دوم این همایش، علاوه بر قدرشناسی از دوستان، پرداختن به جایگاه پژوهش و نقش آن در فرایند قانونگذاری است که ان شاء الله از نظرهای برخی صاحب نظران و اندیشمندان استفاده می کنیم. در اینجا لازم می دانم برای اطلاع شما بزرگواران به چند نکته اشاره کنم؛ یکی بحث تجدید ساختار مرکز است که با مجوز هیئت رئیسه مجلس - که هیئت امنای مرکز پژوهش ها نیز محسوب می شوند - در جلسات متعدد و طولانی به یک جمع بندی رسیدیم. بر این اساس، مرکز پژوهش ها که با یک معاونت پژوهشی و یک معاونت اجرایی اداره می شد، طبق این ساختار جدید، به چهار معاونت پژوهشی شامل: معاونت پژوهش های اقتصادی، معاونت پژوهش های سیاسی و حقوقی، معاونت پژوهش های فرهنگی و اجتماعی و معاونت پژوهش های امور زیربنایی و تولیدی و یک معاونت اجرایی تبدیل شده است. همچنین در ذیل این چهار معاونت پژوهشی، ۱۰ دفتر به فعالیت مشغول اند.

همچنین در هریک از معاونت ها از همکارانمان تقاضا کرده ایم که در موضوعات مختلف، شوراهای راهبردی تشکیل دهند. این شوراهای راهبردی مانند مثلثی دارای سه ضلع است که یک ضلع آن صاحب نظرترین نمایندگان کنونی و نمایندگان ادوار مرتبط با آن موضوع اند. مثلاً اگر بحث اقتصادی است باید صاحب نظرترین نمایندگان مجلس نهم به علاوه تعدادی از نمایندگان صاحب نظر در ادوار مختلف مجلس را کنار همدیگر جمع کنیم. ضلع دوم، صاحبان تجربه در بخش خصوصی و دولتی است و در ضلع سوم، بهترین نظریه پردازها یا بهترین

صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی در آن موضوع مستقرند. این سه ضلع باید در کنار همدیگر قرار گیرند تا بتوانند موضوعات را به‌خوبی پیروانند. امیدوارم ان‌شاءالله معاونت‌ها و دفاتر، بتوانند این شوراهای راهبردی را تشکیل دهند تا در ارتباط با اقدامات و کارهایی که باید صورت بگیرند، اثربخشی لازم را داشته باشند.

به باور ما برای ارتقای جایگاه مرکز پژوهش‌ها باید تغییراتی در آیین‌نامه داخلی مجلس صورت بگیرد و هر اقدامی که مجلس شورای اسلامی در نظر دارد در راستای قانونگذاری انجام بدهد، باید دارای پیوست پژوهشی باشد و پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه‌های مربوطه، آن امر را تأیید کرده باشند. به‌نظر می‌رسد تحقق این مهم، اقدام شایسته‌ای است و اگر مرکز پژوهش‌ها یک کرسی پژوهشی در کمیسیون‌ها داشته باشد یا به نوعی در صحن مجلس - با تغییر آیین‌نامه داخلی - بتواند اظهارنظر کند، قطعاً موجب ارتقای سطح مرکز و بهبود فرایند قانونگذاری در مجلس و کشور خواهد شد.

لازم می‌دانم از حجت‌الاسلام والمسلمین آقای ابوترابی، نایب‌رئیس محترم مجلس شورای اسلامی که در این همایش شرکت کرده‌اند، تشکر کنم که در ادامه از رهنمودهای ایشان استفاده خواهیم کرد. مجدداً از همه مهمانان عزیز، معاونان محترم پارلمانی دستگاه‌های اجرایی، صاحب‌نظران، اندیشمندان، رؤسای محترم دانشگاه‌ها و همه اعزه و بزرگواران تشکر و قدردانی می‌کنم. از مدیران کل محترم پارلمانی نیز تقدیر و تشکر ویژه دارم. همچنین از اصحاب رسانه و خبرنگاران عزیز و بزرگواری که در این همایش حضور دارند متشکرم. والسلام علیکم و رحمة‌الله.

سخنرانی آقای دکتر علی لاریجانی  
(رئیس مجلس شورای اسلامی)





بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت شما سروران گرامی عرض سلام، ادب و احترام دارم و بسیار مسرورم که امروز توفیق دیدار شما نمایندگان محترم در مجلس هشتم و نهم و عزیزانی که در مرکز پژوهش‌ها حضور دارند برای ام حاصل شد. از جناب آقای دکتر جلالی و همکارانشان در مرکز پژوهش‌ها که تلاش‌های خوبی را انجام داده‌اند، تشکر می‌کنم. گاهی هم ما در مجلس از تراوشات ذهنی عزیزان استفاده می‌کنیم و نظرهای حضرات در مقوله‌های مختلف که به مجلس می‌آید مورد توجه نمایندگان قرار می‌گیرد.

چند موضوع درباره پژوهش به ذهن حقیر می‌رسد که بیان می‌کنم. به‌رغم تأکید مکتب فکری ما و اینکه تعداد زیادی فارغ‌التحصیل و نخبه در کشور داریم که قابل مقایسه با اوایل انقلاب نیست، چرا تحقیق و پژوهش در کشورمان رونق ندارد؟ یعنی شما در عرصه تولید، فعالیت‌های کلان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی احساس نمی‌کنید که تصمیم‌سازان متکی به پژوهش برای تصمیم‌گیران کار می‌کنند. این موضوع چند بعد دارد. علت اصلی این مشکل، به ساختار اقتصادی و اجتماعی ما برمی‌گردد. تا وقتی این تقاضا (نیاز به پژوهش) در مردم، نهادها و دستگاه‌ها به‌وجود نیاید، با دستور نمی‌توان پژوهش را در کشور رونق داد.

باینکه در سال‌های اخیر بودجه پژوهش زیاد شده و شرکت‌های دانش‌بنیان فراوانی هم به وجود آمده‌اند، اما هنوز در کشور احساس رونق و توسعه پیدا نشده که این امر به عقبه آن بازمی‌گردد. یعنی تا وقتی اقتصادمان دولتی باشد و نیازی به رقابت وجود نداشته باشد، تقاضا برای پژوهش نیز وجود ندارد. وقتی شما دو کارخانه ایران خودرو و سایپا دارید که باهم کار می‌کنند و رقابت چندانی ندارند، احتیاج ندارند مؤسسات پژوهشی به وجود بیاورند؛ پول هم خرج نمی‌کنند و آنچه تولید می‌کنند مصرف می‌شود. بنابراین تا تقاضا در جامعه به وجود نیاید، اقتصاد مردمی نشود و رقابت ایجاد نشود، نیاز به تحقیق نیز در کشور حس نمی‌شود. من در پاسخ به سؤال ابتدای عرایضم، به همین مقدار بسنده می‌کنم، چون اگر بخواهم به این سؤال جواب بدهم وقت زیادی می‌طلبد. ولی ضروری است که به این موضوع بپردازیم و ببینیم چرا با همه ظرفیت‌های دینی و نیروی انسانی متخصص و خلاق، مسئله پژوهش به‌عنوان یک رکن در کشور وجود ندارد؟ و در صورت وجود، برازندگی ندارد.

نکته دوم، دانستن این مسئله است که با وجود مجلس، دولت، قوه قضائیه، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات مربوطه، وزارتخانه‌های گوناگون و مراکز تحقیقاتی، اولویت تحقیقاتی امروز کشور چیست؟ به این سؤال باید جواب درست بدهیم. با توجه به مجموعه تجربیاتی که ما در این ۳۴ سال همراه با فرارزوردهایی که داشتیم و شرایط زمانی که اکنون داریم، اولویت‌های پژوهشی ما از بعد حکومت چه موضوعاتی باید باشند؟ این سؤال، هم به

بحث مفصلی نیاز دارد و هم احتیاج به تحقیقات گوناگون، ولی  
از منظر کلان، چند خصوصیت اصلی آن را بیان می‌کنم.  
اول اینکه ما باید نظریه اقتصادی و توسعه روشنی داشته  
باشیم و البته در این زمینه باید هم از تجربیات دیگران استفاده  
کنیم و هم از درون مکتب فکری خودمان الهامات صحیحی  
بگیریم. چندی پیش در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در قم  
- که نشستی با شورای فقهی متشکل از فضلا و دانشمندان  
حوزه علمیه بود - این نکته را عرض کردم که استفاده از نظریات  
دانشمندان اسلامی دو نوع است: یکی اینکه درباره طرح‌ها و  
لواحی که تهیه می‌شود با آنها مشورت شود تا اگر خلاف شرع  
در آنها دیدند، متذکر شوند که این یک استفاده حداقلی از  
تفکر دینی است. نکته دیگر آنکه اگر ما می‌توانیم درون تفکر  
دینی، نگاه روشنی نسبت به توسعه کشور اتخاذ کنیم، این نگاه  
چیست؟ به هر حال چون نگاه اسلام اداره بشریت است؛ پس یک  
ارکانی برای هدایت، توسعه و پیشرفت را در نظر دارد. این  
ارکان اگر اخذ و رعایت شوند، آنگاه از تفکر دینی استفاده  
دقیق‌تری شده است. ما در این زمینه کم‌کاری داشتیم و با  
وجود مطالعات پراکنده، نظام مدونی نداریم. انسان وقتی این  
نقص را می‌بیند، احساس ناراحتی می‌کند؛ چرا که ما مکتب  
بسیار متعالی داریم اما برای ظهور آن در عرصه‌های مختلف  
تلاش نکرده‌ایم؛ کاوش‌هایی بوده، اما کامل نبوده‌اند.  
به هر حال، این بحث مطرح است که باید صاحب یک  
نظریه و تئوری روشن براساس تفکر دینی خودمان در توسعه

کشور باشیم. البته مسئله عدالت در اینجا بسیار روشن است چون ما تکون یک مدینه را براساس عدالت می‌دانیم و عدالت در دوران پس از انقلاب همیشه مورد تأکید رهبران جمهوری اسلامی بوده؛ اما هر زمان برحسب یک نظری از عدالت، رویکردی دنبال شده است. یک سری از اصول عدالت در قانون اساسی آمده است اما اینکه نظریه عدالت را چه می‌دانیم و خارج از الفاظ، مؤلفه‌هایش چیستند؟ به نظر من منقح نشده و همین موضوع در بعضی مواقع کشور را دچار مشکل کرده است. اگر در ادوار مختلف تاریخ نگاهی به مقوله عدالت داشته باشیم، چندین نظریه را در تاریخ تفکر فلسفی و سیاسی - اقتصادی مشاهده می‌کنیم. آنچه در تفکر اسلامی گفته می‌شود، آیا یکی از اینهاست، مؤلفه‌هایی از اینهاست، یا مسئله دیگری است؟ فرض کنید آنچه افلاطون راجع به عدالت می‌گوید همان است که ما می‌خواهیم. او یک تفکر نیمه-سوسیالیستی را توصیه می‌کند که معلوم نیست با تفکرات اسلامی یا گرایش‌های لیبرالی خیلی سازگار باشد؛ رقابت را مهم می‌دانند - البته در عدالت حتماً رقابت شرط است - اما آیا این امر، بحث عدالت را کامل می‌کند؟

وجوهی که در نظر داریم سازگار باشند، استفاده از تئوری فطرت است که شهید مطهری هم در آن تأملات خوبی داشتند و از این منظر، اصل عدالت را به نوعی به انکشاف استعدادها مربوط کرده‌اند؛ یعنی وظیفه حاکمان عادل این است که بسترهای انکشاف استعدادها را فراهم کنند. اکنون این

استعدادها هم جنبه فردی، هم جنبه اجتماعی و هم جنبه منطقه‌ای دارد؛ یعنی وقتی می‌توانیم سیاست‌های یک مدینه را بگوییم عادلانه است که این استعدادها - که متعلق به اشرف مخلوقات اند - بالفعل شده و شکوفا شوند. من نمی‌خواهم راجع به این نظریه بحث کنم چون محل بحث زیاد است، اما باید ببینیم با خلأهایی که داریم، کدام گزینه را برمی‌گزینیم. البته در این نظریه، حتماً رقابت نیز وجود دارد؛ یعنی بدون رقابت، انکشاف استعداد حاصل نمی‌شود و رشد نیز نخواهیم داشت. پس بخشی مربوط به بحث‌های نظری بوده که عمیق‌تر است و قسمت دیگر، مربوط به سازوکارهای اداره بهتر کشور می‌شود که ربطی به داشتن نظریه‌های اقتصادی یا توسعه ندارد. بنابراین چگونه می‌شود کشور را با هزینه کمتر، بهتر و هماهنگ‌تر اداره کرد تا در بستر آن، قوای مختلف بتوانند منظم‌تر کار کنند، محصولات کشور ارزان‌تر تولید شده و شرایط کشور در رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی با گام‌های قوی‌تری پیموده شوند. این امر به تأمل و ارزیابی شرایط مسیر طی شده احتیاج دارد. راهی که ما پیموده‌ایم باید مورد ارزیابی قرار گیرد و نقایص‌اش مشخص شود و مدل‌های رفتاری - حکومتی بهتر برای محصول‌دهی انتخاب شوند. این هم بخشی از مطالعات است که فکر می‌کنم از نظر محتوایی به آن نیاز داریم.

بحث آخر، درباره وضعیت مرکز پژوهش‌های مجلس است. احساس من این است که نمایندگان تمایل خوبی به مطالعات مرکز پژوهش‌ها دارند. میزان تمایل نمایندگان بستگی به این دارد که

مرکز پژوهش‌ها درباره موضوعات چقدر به‌موقع عمل کرده و چگونه از ظرفیت نمایندگان برای ایجاد اغنا استفاده می‌کند. من هنوز هم می‌گویم که گاهی شما مطالبی را که برای مجلس می‌فرستید، دیر هنگام است؛ یعنی باید زمانی این مطالب به‌دست نمایندگان برسد که آنها فرصت مطالعه و بهره‌برداری، مذاکره و مشورت درباره آنها را داشته باشند. این دیر حرکت کردن که در کشور ما سنتی شده، در مرکز پژوهش‌ها هم علی‌الاجماع وجود دارد؛ یعنی نتیجه کاوش‌ها و گزارش‌های شما به‌موقع به‌دست نمایندگان نمی‌رسند. این نقص باید حتماً مرتفع شود. چون با همین مجموعه و زحماتی که شما متحمل می‌شوید باید خیلی زودتر این مطالب به‌دست نمایندگان برسند.

نکته دیگر، نوع دسته‌بندی و مطالبی است که نگارش می‌شود. گزارش باید به‌نحوی باشد که سریع، انتقال ذهن حاصل شود. گاهی شما مقدمات بعیده‌ای می‌نویسید که فرصت خواندنش برای نمایندگان نیست؛ باید اجماع در نگارش وجود داشته باشد و ذهن فوراً به اشکال و نحوه رفع آن متمرکز شود. به‌نظرم باید سبک نگارستان هم تغییر پیدا کند. موجز و متفن نوشتن، خود یک تکنیک و مهارت است. شما ممکن است ابتدا ایراد اصلی یک لایحه را در چهار یا پنج موضوع مهم بنویسید و بعد بگویید که اشکال این ماده در این قسمت است و راه‌حل آن هم این است، راه‌حل را نیز متناسب با شرایط تصویب مجلس ارائه کنید، چون شما پیشنهاد می‌دهید که این‌گونه شود و این امر باید امکان‌پذیر باشد. در پروسه

تصمیم‌گیری در کمیسیون ممکن است نماینده‌ای پیشنهاد شما را امضا نکند و برای تصویب به کمیسیون بدهد. آن وقت که به صحن مجلس رسید، فقط ببینید با پیشنهاد حذف یا پیشنهادهایی که نمایندگان داده‌اند، می‌شود موضوع را حل کرد یا خیر؟ یا اگر ابهامی در جایی مشاهده کردید، بگویید.

بنابراین باید دقیق و کادربندی‌ها درست باشند که ذهن نمایندگان را کاملاً روی موضوع متمرکز کنند. این موارد، نکات ساده‌ای است که می‌توانید رعایت کنید و برای رعایت آن هم هزینه‌ای لازم نیست فقط، به کار بردن سلیقه است. من توصیه می‌کنم برای اینکه نمایندگان بیشتر از تحقیقاتتان استفاده کنند، روشتان را تغییر دهید، مفید است. مطلع شدم که در زمینه استراتژی مجلس هم کاوش‌هایی انجام داده‌اید. این موضوع باید زودتر در اختیار نمایندگان قرار بگیرد تا تکلیف چهار سال این مجلس و مسیر حرکتش مشخص شود.

یکی دیگر از کارهایی که فکر می‌کنم اگر شما در مرکز پژوهش‌ها انجام بدهید مفید است، این است که با کمک نمایندگان، روش‌های تحقیقی را گسترش دهید. نمایندگان طبق قانون اساسی باید تصمیم بگیرند و شما هر چقدر هم کار متقن انجام دهید، اگر روش اقناع‌سازی را در مجلس پیگیری نکنید، حتی مطلبتان هم درست باشد، ممکن است در آن لحظه نمایندگان تحت تأثیر فکر دیگری اقناع شوند. پس شما باید روش اقناع‌سازی هم داشته باشید تا موفق شوید. نمی‌توانیم به صورت دستوری به نمایندگان مجلس بگوییم که این تصمیم را بگیرید.

نمایندگان باید قانع شوند زیرا آنها امنای ملت‌اند و وظیفه شرعی‌شان این است که به نظری برسند؛ پس روش دستوری امکان‌پذیر نیست. راه دیگری که نمایندگان را از تصمیم‌گیری اقلناعی منصرف کند، ممکن نیست. یعنی گروهی از متخصصان تصمیم بگیرند و آنها فقط امضا کنند، این کار با روح قانون اساسی سازگار نیست. اگر خود نمایندگان در پروسه تصمیم‌گیری حضور داشته باشند و قانع شوند ما به یک تصمیم‌گیری مدل قانون اساسی رسیده‌ایم. بنابراین شما در مرکز پژوهش‌ها باید بستری فراهم کنید که نمایندگان در پژوهش‌ها مشارکت داشته باشند.

به‌عنوان مثال نمایندگانی که در حوزه اقتصاد، فعال‌اند در دفتر اقتصادی مرکز حضور داشته باشند و پروژه‌های را با هدایت خودشان و با حضور کارشناسان دیگر دنبال کنند و در تکوین یک طرح یا اظهارنظر مشارکت داشته باشند. این کار دو فایده دارد: یکی اینکه کارتان برای به تصویب رسیدن طرح در مجلس ساده می‌شود و دیگر اینکه شما نمایندگان را توانمندتر می‌کنید زیرا با نظرهای مختلف روبه‌رو می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که اگر یک نماینده با ۱۰ صاحب‌نظر اقتصادی جلسه داشته باشد، ذهنش بیشتر درگیر می‌شود. پس ما باید هم از متخصصان استفاده کنیم و هم روشمان به‌نحوی باشد که نمایندگان قانع شوند و تراز قانون اساسی نیز لحاظ شده و آنها شرعاً و عرفاً بین خودشان و خدا رأی دهند. پس اگر خودشان در تصمیم‌سازی مداخله داشته باشند، می‌توانند این کار را سامان دهند. از این‌رو توصیه می‌کنم از حضور تک‌تک نمایندگان در دفاتر مطالعاتی مرکز استفاده کنید.



نکته دیگری که مطرح شد، این بود که مرکز پژوهش‌ها حضور بیشتری در کمیسیون‌ها به عنوان یک جایگاه ثابت داشته باشد و در صحن علنی هم بتواند اظهارنظر کند؛ یعنی در کنار نظر دولت و کمیسیون، مرکز پژوهش‌ها نیز اظهارنظر کند. البته من باید در آیین‌نامه تأملی داشته باشم که آیا منعی وجود دارد یا خیر، اگر منعی نداشته باشد، قابل اجراست. اما چون در آیین‌نامه آمده است که در صحن علنی از مراکز دیگر هم می‌توانیم دعوت بکنیم و اظهارنظرانشان را گوش دهیم، نباید منعی وجود داشته باشد. اگر هم منعی داشته باشد باید آیین‌نامه را تغییر دهیم.

بعضی از کارها در مجلس انجام شده که در مرکز پژوهش‌ها نیمه‌تمام است، من توصیه می‌کنم که اینها را سریع‌تر به نتیجه برسانید. مثلاً درباره قانون احزاب، مرکز پژوهش‌ها کار نسبتاً خوبی را ارائه کرد. این طرح در کمیسیون هم ارائه شد، حالا زمانی است که این مطلب باید دوباره احیا شود. به نظر من یکی از مسائل مهم در کشور این است که احزاب متناسب با شرایط قانون اساسی شکل بگیرند. احزاب برای این به وجود می‌آیند که افراد، توانمندی سیاسی و اجتماعی پیدا کنند، کشور صاحب برنامه شود و انتخاب‌ها، انتخاب‌های دقیق‌تری باشند. اینکه افراد شعار دهند که احزاب نداریم یا نمی‌خواهیم داشته باشیم، افتخار برای کشور نیست.

سازوکار مردم‌سالاری در این است که اگر بخواهیم سنجیده و جامع تصمیم بگیریم، باید در قالب تشکلهای باشد.

البته احزاب باید ایدئولوژیک و با عقبه فکری تشکیل شوند. برخی امور هم وجود دارند که باید برای محقق شدن قانون اساسی، درباره آنها کار کنید. هم‌اکنون بین شما و مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در قم هم باید ارتباط نزدیکی وجود داشته باشد. برخی از استدلال‌های آنها را هم استفاده کنید. مثلاً بحث جرائم سیاسی و نحوه رسیدگی به آنها که در قانون اساسی گفته شده با هیئت‌منصفه است، این مسئله محقق نشده و قانونش در کشور وجود ندارد. اصل امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصل‌های مهم اسلامی و قانون اساسی است، اما قانون ندارد. باید در حوزه‌های غیراقتصادی به این ضعف‌ها توجه و قوانینش را مدون کنیم تا معلوم شود که ظرف چند ماه آینده، شما چه چیزهایی را به مجلس ارائه می‌کنید.

امیدواریم ان‌شاءالله این نشست‌ها به هم‌گرایی بهتر فکری بین مجلس و مرکز پژوهش‌ها و دستیابی به دریافتی درست از نیازهای کشور بینجامد و شما عزیزان هم با علاقه و پشتکار به کارتان ادامه دهید. من احساس می‌کنم مجلس به اینکه پژوهندگان خوبی دارد افتخار می‌کند. هرچه این هم‌گرایی بیشتر شود، نظرهای عزیزان - که متکی به آرای متخصصان است - بیشتر در تصمیم‌گیری‌های مجلس ساری و جاری می‌شود و ما از این روش‌ها استقبال می‌کنیم و آماده‌ایم گاهی اصلاحاتی در کارها به‌وجود بیاوریم که حرکت بهره‌جستن از صاحب‌نظران در کارهای تحقیقاتی برای مجلس بیشتر شود. آرزوی توفیق برای همه شما دارم.

سخنرانی حجت الاسلام  
والمسلمین آقای سید محمد حسن  
ابوترابی فرد (نایب رئیس اول  
مجلس شورای اسلامی)



بسم الله الرحمن الرحيم. با تشکر از تمامی عزیزان و بزرگوارانی که در برگزاری این همایش زحمت کشیده‌اند. امیدوارم که حاصل این گردهمایی، نتایج ارزشمندی را برای کشور به دنبال داشته باشد.

استفاده بهینه از ظرفیت علمی و پژوهشی کشور در راستای توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظام یک امر کلیدی بوده و از مقولاتی است که کمترین تردیدی در نقش و کارایی آن در توسعه و پیشرفت انسان و جوامع بشری وجود ندارد. علم و دانش برای رسیدن به کمالات فردی و اجتماعی نقش مهمی دارد که این موضوع در سیره اولیای دین و آموزه‌های قرآن و عترت بر آن تأکید بسیاری شده است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: در مسیری که علم به تو نمی‌نمایاند، قدم بردار. در اینجا تکلیف مشخص است و آن، اتخاذ تصمیم مبتنی بر علم و حرکت براساس آن است که هرکس بر این مبنا حرکت کند به مقصد می‌رسد و اگر راه را پیدا نکند، جاهل قاصر است نه جاهل مقصر و قطعاً به او پاداش داده خواهد شد.

علم از دو مسیر برهان مستحکم عقلی و نقلی معتبر به دست می‌آید. خداوند در قرآن می‌فرماید: اگر تصمیم تو

مبتنی بر علم نباشد مورد سؤال واقع می‌شوی. از این رو با توجه به اهمیت موضوع پژوهش که راه رسیدن به علم است، اهمیت ارتباط حوزه قانونگذاری و مرکز پژوهش‌ها مشخص می‌شود. امام رضا (ع) نیز در این باره می‌فرماید: کسی که بدون بصیرت تصمیم می‌گیرد و اقدام می‌کند مثل کسی است که در مسیر حرکت نمی‌کند. هر چه سرعت (بی‌بصیرت) در انجام امور بیشتر باشد فاصله با مقصد بیشتر می‌شود و من فکر می‌کنم که در بسیاری از حوزه‌ها به خصوص در حوزه اقتصادی کشور این‌طور عمل کرده‌ایم.

بسیاری از مشکلات امروز ما به این دلیل است که براساس اصول علمی تصمیم‌گیری نشده است. بودجه‌ریزی عملیاتی، علمی است که از آن در زندگی روزمره استفاده و براساس آن عمل می‌کنیم. از این رو هر کس عاقل باشد جز برای کار مفید، هزینه‌ای در زندگی پرداخت نمی‌کند. در هنگام تخصیص بودجه، سازمان مربوطه باید با برهان و دلیل کافی و با نگاه علمی و کارشناسی ارزش و نحوه ارائه خدمات خود را بیان کند، و اگر آن خدمت ارزشی نداشت، بودجه‌ای به آن تخصیص نیابد.

یکی از کارهایی که آقای ماهاتیر محمد در دوران نخست‌وزیری‌اش در مالزی انجام داد، این بود که با مدیران سازمان‌ها صحبت کرد و گفت: از موجودیت سازمان خودتان و ضرورت حضورتان و بودجه‌ای که برای خدمتی که می‌خواهید ارائه دهید دفاع کنید. اینجا یک میز محاکمه است و شما باید با استدلال برای من اثبات کنید که به وجود شما نیاز است. اگر

دفاع و اثبات کردید در خدمت شما ایمم والا، خدا حافظ. با تعارف که نمی‌شود کشور را اداره کرد.

مرکز پژوهش‌ها باید با کارشناسی بررسی کند که آیا شانزده هزار میلیارد تومان بودجه آموزش و پرورش برای این نهاد در مقایسه با خدمتی که ارائه می‌کند، ارزش واقعی دارد یا خیر؟ آیا این خدمت را با کیفیت بهتر و با هزینه کمتر می‌توان ارائه کرد یا خیر؟ اگر می‌شود، راه کارشناسی و علمی را نشان دهد. اگر این‌گونه عمل می‌کردیم، قطعاً امروز با یک رشد نقدینگی بی‌حساب و با کسری بودجه قابل توجهی روبه‌رو نبودیم.

بهداشت و درمان یک امر ضروری است، اما حفظ وزارتخانه آن که ضروری نیست. آموزش، بهداشت و درمان، امری لازم است؛ ما این را می‌خواهیم، نه یک نهاد را. اگر این نهاد رسالتش را با کمترین هزینه و با بهترین کیفیت ارائه کند، باید با همه وجود در خدمت آن باشیم، اما اگر به‌گونه دیگری می‌توان خدمت را ارائه کرد، باید آن راه را پیمود.

اینکه بنده از بن دندان اعتقاد دارم که امروز تحریم‌های بین‌المللی یک فرصت طلایی را برای ملت ایران خلق کرده، دقیقاً برای مدیریت درست منابع مالی است. منابع مالی‌مان را باید درست هزینه کنیم؛ این کار راه نجات ماست. یعنی مرکز پژوهش‌ها اولاً، بر کارایی خود بیفزاید و کیفیت پژوهش را تا آنجا که می‌تواند ارتقا ببخشد و ثانیاً، ما (نمایندگان) به‌عنوان یک نیروی بهره‌بردار از این مرکز، از همه ظرفیتمان استفاده کنیم. سخن حقی که شاید از دوستان دیگر نیز بشنویم این

است که ما باید با هر مسئله‌ای که مواجه می‌شویم آن را به دست اهلس بسپاریم تا با بررسی، تحقیق و مطالعه، پژوهشی راهگشا، قابل قبول و مبتنی بر واقعیت‌ها و نیازها برای مان ارائه دهند تا ما از آن استفاده کنیم و مورد نقد و مطالعه قرار دهیم. والا ما مجموعه‌ای نیستیم که در همه رشته‌ها - آن هم با این زمانی که در اختیارمان است - بخواهیم مطالعه و در همه موضوعات اظهار نظر کنیم.

بنده با روایت دیگری از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) از پیامبر اکرم (ص) سخنم را تمام می‌کنم. قال الرضا (علیه الصلاة والسلام) عن النبی (ص): العلم خزائن و مفاتیحها السؤال. علم گنجینه است و پرسش، کلید آن. مطالبه مرکز پژوهش‌ها از نمایندگان، سؤال است، و سؤال درست، بیان کننده اوج عقلانیت مسئله‌شناسی است. ما اگر مسائل کشور را بشناسیم، می‌توانیم درست سؤال کنیم. بنابراین از نظر اهل پژوهش و تحقیق سؤال درست، نصف پاسخ است. سؤال وقتی علمی و کارشناسی است که مبتنی بر پژوهش و دانش باشد؛ ولی اگر مبتنی بر دانش و اطلاعات نباشد، مطابق با نیازها نیست؛ در نتیجه پاسخ هم گره‌گشا نخواهد بود.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: فسألوا، سؤال کنید. یرحمکم الله، خدا شما را رحمت کند، سؤال کنید. هر قدر می‌توانید سؤال کنید. به آنچه دارید اکتفا نکنید. سؤال ما، مرکز پژوهش‌ها را به نهادی مقتدر، کارآمد و مولد تبدیل می‌کند. بنابراین هر قدر ارتباط بین مرکز، کمیسیون‌های تخصصی و



نمایندگان، قوی‌تر باشد، بستر این ارتباط (سؤال و پاسخ) فراهم‌تر خواهد شد.

پیامبر اکرم (ص) در ادامه می‌فرمایند: فانه یؤجر فیه اربعه؛ در سؤال شما، چهار نفر پاداش داده می‌شوند: اول، السائل؛ اولین پاداش برای سؤال‌کننده عاقل و هوشمندی است که مسئله را طرح می‌کند. اگر سؤال نبود؛ این قدر فقه ما قوی نبود؛ اگر سؤال نبود؛ مجموعه معارف دینی و اسلامی نبود؛ اگر سؤال نبود، انسان عالم نبود؛ اگر در فطرت انسان پرسش نهاده نشده بود، قطعاً پیامبران نبودند. این فطرت پرسش‌جوست که زمینه بعثت انبیا را فراهم آورد.

دوم، المعلم؛ معلمی که این بستر علمی را فراهم آورده است. معلم در سخن پیامبر (ص) پاسخ‌گو نیست؛ معلم، نهاد علمی است؛ نهاد دانشگاهی است، معلمان کسانی هستند که بستر توسعه علمی جامعه را فراهم می‌کنند. کارشناسان اگر در مرکز پژوهش‌ها به موضوعات تخصصی پاسخ می‌دهند، این پاسخ یک عقبه علمی دارد. پژوهش و مطالعات زیادی انجام شده تا این امکان فراهم آمده است.

سوم، المستمع؛ شما که سؤال می‌کنید گمان نکنید که فقط شما از پاسخ استفاده می‌برید. پاسخی که ارائه می‌شود برای هر گوش شنوا و طالب حقی راهگشاست، و شما زمینه بهره‌وری وی را فراهم می‌کنید. سؤال درست یک همکار در نهاد قانونگذاری، راه را برای استفاده مجموعه همکاران در مجلس و کمیسیون‌های تخصصی فراهم می‌کند و همه آنها یک

پاسخ درست را دریافت می‌کنند. چهارم، المجیب له؛ کسی هم که پاسخ می‌دهد، اجر می‌برد.

انشاءالله همت آقای دکتر جلالی هم بر این امر است که با استفاده از تجارب گذشته و با احترام به کارهایی که در دو دهه اخیر در مرکز پژوهش‌ها توسط مدیران و کارکنان قبلی انجام شده است، این مسیر را ادامه دهند. البته ایشان همیشه قدردان و شاکر بودند و بنده از این نظر هم از ایشان تشکر ویژه‌ای دارم. در پایان سخنانم مجدداً از سروران عزیزم تقدیر و تشکر می‌کنم. امیدوارم که خط‌مشی پژوهشی، راهی را برای رشد و توسعه کشور و قانونگذارانی که از این پژوهش بهره می‌برند، هموار کند و ما هم افتخار داشته باشیم که از این سرمایه ارزشمند استفاده کنیم. نتیجه این امر هم، تصمیمات ماندگار و گره‌گشای ما باشد و بتواند مسائل اصلی کشور را حل کند. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

سخنرانی آقای مهندس رضا  
عبداللهی (نماینده مجلس شورای  
اسلامی)



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين. ضمن عرض سلام، ادب و احترام خدمت حضار محترم و سروران ارجمند، از برگزارکنندگان این همایش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و رئیس محترم مرکز جناب آقای دکتر جلالی تشکر و قدردانی می‌کنم. امیدوارم این نشست و همایش به برکت میلاد فرخنده و مسعود امام محمدباقر (ع)، مفید و مؤثر واقع شود و ان شاء الله نتیجه‌ای نیز برای امر قانونگذاری و کشور داشته باشد.

ما در نهمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار داریم و تقریباً طی این ۹ دوره، با مقوله قانونگذاری در جمهوری اسلامی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. آماری که ارائه می‌دهم به هشت دوره قبل برمی‌گردد و آمار این دوره (دوره نهم) را در حال حاضر در دست نداریم. طبق اطلاعات اداره کل قوانین مجلس، تقریباً ۸۰ درصد قوانین مصوب در دوره‌های قبل، از نوع اصلاحیه یا استفساریه بوده است.

ما به لحاظ کیفیت و نیز اجرای قوانین - در رتبه‌بندی که در مجامع جهانی انجام گرفته است - هم در سطح جهان و هم در منطقه، متأسفانه رتبه پایینی داریم. همین ۸۰ درصد اصلاحیه یا استفساریه، بیانگر آن است که کیفیت قوانینمان

خوب و کارآمد نیست و بعضاً مواردی هم که قابل اجراست، اجرا نمی‌شوند.

اگر به گزارش‌های دیوان محاسبات در تفریغ بودجه و همین‌طور گزارش‌هایی که سازمان بازرسی کل کشور ارائه می‌دهد توجهی داشته باشیم، می‌بینیم که تخلفاتی در اجرای قوانین وجود دارد. من نمی‌گویم قوانین اجرایی نیستند یا مشکل کیفیت قوانین وجود دارد؛ ولی اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم همین تخلفات نشان می‌دهند که اگر خودمان هم مجری بودیم، بعضی از این قوانین را نمی‌توانستیم درست اجرا کنیم. در نتیجه باید راه جدیدی را برای شیوه قانونگذاری و اصلاح قوانین ناکارآمد پیدا کنیم.

بنده تقریباً هفت دوره است که در مجلس حضور دارم و حالا که به همت مرکز پژوهش‌ها این همایش یا همایش‌های مشابه برگزار می‌شود باید مسائل را آسیب‌شناسی و ریشه‌یابی کنیم که چه کاری باید انجام داد تا قوانین، مفید، کارآمد و مؤثر باشند. بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، قوانین باید باثبات، روزآمد و کارگشا باشند. اینکه ما در پایان هر دوره آماري ارائه دهیم که ۳۰۰ تا ۳۵۰ قانون تصویب کردیم - طرح باشد یا لایحه مهم نیست - آیا این کار انتظار مردم از نمایندگان را برآورده می‌کند؟ مردم انتظار دارند که آخر دوره نسبت به اول دوره در زندگی آنها بهبودی حاصل شده باشد؛ حالا مهم نیست که پانصد یا پنج قانون تصویب کنیم.

مردم از ما می‌خواهند که درآمدها ارتقا پیدا کند، تورم

و بیکاری کاهش یابد و بحث‌های امنیتی سروسامان یابند. ما در این وضعیت چه باید بکنیم؟ باید راه درست را پیدا کنیم و در این راه، درست راه برویم.

برای روشن شدن مطلب این سؤال را مطرح می‌کنم که چرا خداوند سوره حمد را اولین سوره قرآن قرار داده است؟ درحالی‌که معمولاً سوره‌های کوچک، در آخر قرآن و در جزء سی‌ام آمده‌اند. به‌نظر من در این سوره نکته عجیبی نهفته است، زیرا بعد از اینکه شکر خدا را بجا می‌آورد و صفات خدا را بیان می‌کند، می‌گوید: خدایا از تو می‌خواهم که مرا به صراط مستقیم هدایت کنی، صراط کسانی که نعمت‌هایت بر آنها شامل شده است؛ این بحث ایجابی و اثباتی‌اش است. در ادامه هم می‌گوید: اگر این‌گونه نباشد، در جاده مغضوبان و گمراهان قرار گرفته‌ایم. از این‌رو در امر قانونگذاری باید برگردیم و صراط مستقیم را پیدا کنیم والا کمیت قوانین، ما را به جایی نخواهد رساند.

البته در بحث اقتصاد، بنده سال‌ها در محضر آقایان تلمذ کرده‌ام و اطلاعات مختصری دارم. ما در بودجه، پول کم نداریم. با وجود تحریم‌ها امسال در کشورمان نسبت به بسیاری از کشورها حدود دویست میلیارد دلار درآمد نفت و گاز داشتیم. سال قبل، درآمد حاصل از نفت و گاز با صادراتی که داشتیم - نزدیک به ۲/۷ میلیون بشکه نفت و میعانات گازی - حدود ۲۵۰ میلیارد دلار بود. اگر همین بودجه و درآمد را کشورهای دیگر، حتی کشور همسایه‌مان ترکیه بخواهند کسب کنند و در اختیار بگیرند، باید بیش از ۵ تا ۶ میلیارد دلار کالا و خدمات

در کشورشان تولید و یا به بازارهای جهانی عرضه کنند.

اگر بعد از کسر هزینه‌ها و سربه‌سر شدن ضرر و زیان - زیرا تمام آن سود نیست و در دنیای تجارت ضرر ورشکستگی و سربه‌سری هم وجود دارد و بخشی هم سود است - هزینه‌ها را هم کنار بگذاریم، به طوری که ۱۰ درصد سود خالص داشته باشند آنگاه سود پنج هزار میلیارد دلاری، پانصد میلیارد دلار می‌شود که تمام آن برای حکومت و دولت نیست بلکه به بنگاه‌ها و شرکت‌ها نیز تعلق دارد؛ اگر مالیات آن را ۴۰ درصد در نظر بگیریم، این ۴۰ درصد برای دولت است، ۴۰ درصد پانصد میلیارد دلار می‌شود دویست میلیارد دلار و ۴۰ درصد ششصد میلیارد دلار می‌شود ۲۴۰ میلیارد دلار. بنابراین با کمبود بودجه روبه‌رو نیستیم بلکه چگونگی استفاده از آن را بلد نیستیم. اینکه پاسخ آن را پیدا و کشور را خوب اداره کنیم هنر است.

اگر برگردیم به مبحث اصلی، باید گفت کیفیت قوانین و ارتباطی که این موضوع با علم، تحقیقات و پژوهش دارد خیلی مهم است. در مجلس، عده‌ای نماینده مطالبی را به عنوان طرح می‌نویسند؛ پانزده نفر امضا می‌کنند، بلافاصله هیئت‌رئیس آن را اعلام وصول می‌کند تا در دستور کار قرار گیرد و یا دولت لایحه‌ای را به مجلس می‌فرستد که نمی‌دانیم چقدر کار پژوهشی، تحقیقاتی و علمی بر آن انجام شده است. لایحه در دستور کار قرار می‌گیرد و به کمیسیون‌ها می‌رود. یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها بعد از ظهر معمولاً از ساعت ۱۴ تا ۱۶ کمیسیون‌ها تشکیل می‌شوند. آیا این جلسات مرتب تشکیل می‌شوند یا خیر؟



بنده سال‌ها رئیس کمیسیون بودم و شهادت می‌دهم که این جلسات، مرتب نیستند. این سخن مقام معظم رهبری واقعاً تکان‌دهنده است که فرمودند: سعی کنید در کمیسیون‌ها حضور مرتب و مفید داشته باشید. حالا که مرتب نیست، مفیدش را هم من نمی‌دانم. بنده که حدود ۲۵-۲۴ سال در مجلس حضور داشته‌ام، چقدر به‌عنوان یک متخصص و صاحب‌نظر می‌توانم در هر موضوعی به‌صرف این‌که عنوان نمایندگی را یدک می‌کشم، اظهارنظر کنم.

زمانی که بچه‌ام یا خانواده‌ام مریض می‌شود سعی می‌کنم دکتر خوبی پیدا بکنم تا او را نزد آن طبیب حاذق ببرم، در مجلس هم باید همین اتفاق بیفتد؛ یعنی از طریق مرکز پژوهش‌ها و هیئت‌رئیس کمیسیون‌ها باید افراد باتجربه، عالم، متخصص و صاحب‌نظر را بیابیم و درباره مریضان کسب تکلیف کنیم. من هیچ وقت برای بچه خودم، نسخه نمی‌نویسم ولی متأسفانه ما در روند کنونی قانونگذاری طبابت می‌کنیم، جراحی می‌کنیم و حاصل این فرایند معیوب را، هم در کمیسیون‌ها و هم در صحن علنی، در قالب بحث‌های علمی، فنی و تخصصی به رأی می‌گذاریم.

به‌عنوان مثال هنگامی که می‌خواهیم در جایی ساختمانی بسازیم، بدون هیچ‌گونه تحقیقات علمی می‌گوییم شماره تیرآهن‌هایش ۱۴ یا ۱۶ یا ۱۸ باشد. هر یک از ما که پیشنهادش رأی آورد، می‌گوییم مثلاً شماره ۱۸ باشد و ساختمان را می‌سازیم. این نوع روش، باید کاملاً تغییر کند. یعنی مرکز باید

تمامی طرح‌ها و لوایح مهم و مفصل را نزد صاحب‌نظران و کارشناسان فن برده و راه چاره را جست‌وجو کند؟ در انتخاب کارشناس نیز باید هرگونه تحقیقی را که لازم باشد، انجام دهیم. هنر نمایندگان و هنر کمیسیون‌ها و مجلس از طریق مرکز پژوهش‌ها باید این باشد، نه آنکه خودمان طبابت کنیم. درست است که این اختیار را داریم ولی بحث تخصصی و تصمیم‌سازی را باید برعهده تصمیم‌سازان بگذاریم. پس از این مرحله اگر به ما رجوع کردند، آنجا تصمیم‌گیری کنیم. تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دو مقوله متفاوت است. تصمیم‌سازی باید در حوزه متخصصان انجام شود و نباید نمایندگان ورود پیدا کنند. ما تقریباً هفته‌ای سه جلسه در صحن علنی مجلس داریم؛ یکشنبه‌ها، سه‌شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها. این جلسات با هزینه‌های بالایی برگزار می‌شوند و دقیقه‌اش ارزش‌ها دارد. با یک تبصره، یک ماده، چهار تذکر و چهار اخطار یک روز تمام می‌شود. چرا باید این طور عمل کنیم؟ اشکالی که بر کار ما وارد است و مجلس هنوز نتوانسته نقش مفید و مؤثرش را طی دوره‌های قبل ایفا کند، اینجاست. راه درست این است که در آیین‌نامه داخلی مجلس تغییراتی ایجاد کنیم و زمانی که طرح یا لایحه‌ای آمد که مهم و مفصل بود، از کارشناسان مرکز پژوهش‌ها دعوت کنیم و از آنها بپرسیم که صاحب‌نظران و متخصصان در این رشته چه کسانی‌اند؟ حتی در صورت نیاز، مشاور خارجی بگیریم. در رشته کسب‌وکار سال‌هاست تلاش می‌کنیم، اما رتبه‌مان همان ۱۴۴ و ۱۴۵ است. شما با این رتبه هیچ‌وقت نمی‌توانید

تولید را راه بیندازید. مقام معظم رهبری امسال را سال تولید و حمایت از کار و سرمایه ملی نامیدند، اما تا زمانی که رتبه کار بالا نرود، هیچ‌گونه حمایت جدی از تولید با هزینه کمتر، کیفیت بهتر و سرعت بیشتر انجام نخواهد گرفت.

سال قبل، رتبه کسب‌وکار عربستان در دنیا دوازده بود، باینکه درآمد نفتی‌اش از ما بهتر و جمعیتش هم خیلی کمتر است، اما امسال با تدبیر، رتبه اول را در منطقه کسب کرده است. امسال آماري که بنده گرفتم و اطلاعاتی که دارم، گرجستان به رتبه نهم رسیده است؛ کشوری که ۸ تا ۱۰ سال پیش، اصلاً به حساب نمی‌آمد. با توجه به این مسائل، چه کاری باید انجام دهیم تا رتبه‌مان در کسب‌وکار ارتقا و بهبود یابد؟

ما فقط به‌صرف اینکه حق قانونگذاری داریم، در همه موضوعات ورود پیدا می‌کنیم ولی کار را به اهل فن نمی‌سپاریم. درست است که ما مالکیت داریم، ولی نمی‌توانیم در همه موضوعات تخصصی خبره باشیم. مثلاً بنده اگر پارچه کت و شلواری خریده باشم یا برای ام‌سوغاتی آورده باشند، مالک آن هستم ولی هیچ‌وقت به خودم اجازه نمی‌دهم دست به قیچی ب‌برم، ب‌برم و برای خودم بدوزم. پس چگونه در بحث‌های فنی، تخصصی و علمی مانند سیاست‌های پولی، ارزی، تجاری و غیره به خودمان اجازه می‌دهیم که به‌جای متخصصان تصمیم بگیریم.

دولت هم باید سراغ متخصصان و علم و تحقیق و پژوهش برود و همچنین از تجربه کشورهای دیگر نیز استفاده کند. مطلب عجیبی نیست؛ بالاخره ما ۷۵ میلیون جمعیت را اداره

می‌کنیم و در کنارمان هم پنجاه یا صد کشور خوب اداره می‌شوند. آنها که به علم و دانش، پژوهش و تحقیقات بها داده‌اند، کیفیت بالایی دارند و هزینه معقول و مناسبی هم می‌پردازند و آنها که بها نداده‌اند، مشکل تورم و بیکاری دارند و در ده‌ها مسئله دیگر نیز با مشکلات مواجه‌اند.

به برکت برگزاری این همایش، درخواستم از آقای دکتر جلالی (برادر عزیز و ارزشمندمان) این است که در مرکز پژوهش‌ها راهی را پیدا کنند که کیفیت قوانینمان ارتقا یابد. این رتبه‌بندی‌هایی که در جهان اعلام می‌شود، اگر ۱۰ درصد هم مغرضانه باشد ولی همه‌اش که این‌طور نیست، به قول شاعر که می‌گوید: «آئینه گر نقش تو بنمود راست / خود شکن آئینه شکستن خطاست». بالاخره رتبه‌بندی‌ها نشان‌دهنده تصویر و معدل شماسست؛ مثل همین رتبه‌بندی که برای فوتبال، کشتی و ورزش‌های دیگر اعلام می‌کنند. سعی کنیم که درباره تصویب و اجرای قوانین، راهکارهای علمی را پیدا کنیم. به‌نظر من، نکته اصلی این است که کار را باید به‌دست کارشناسان و متخصصان بسپاریم و در انتخاب آنها نیز دقت لازم و کافی داشته باشیم.

در مواردی هم که قوانین اشکال یا ایرادی دارند، به‌طور مستمر اصلاحیه می‌زنیم، استفساریه می‌دهیم و رفع ابهام می‌کنیم. درحالی‌که باید این موارد را به متخصص آن کار بسپاریم. پیشنهاد بنده این است که برای قوانین مهم و مادر، مناقصه برگزار کنیم. چطور ما برای یک بیمارستان و فرودگاه، صد مناقصه برگزار می‌کنیم، مشاور و پیمانکار می‌گیریم و

می‌خواهیم بهترین‌ها را انتخاب کنیم، آیا برای قانون برنامه  
نیازی نیست که مشاور بگیریم؟

از این‌رو جمع‌بندی سخن بنده این است که ما در امر قانونگذاری  
نیاز به کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی داریم. اگر می‌خواهیم مجلس  
کارآمدی داشته باشیم، امور مردم را خوب اداره کنیم و حقوقی که  
از موکلانمان می‌گیریم، حلال باشد و آنها از ما راضی باشند، حتماً  
باید روش کنونی فرایند قانونگذاری را عوض کنیم.

به نظر من، تشکیل مرکز پژوهش‌ها یکی از کارهای بسیار  
ضروری بود که به آن پرداخته شد. من ضمن تشکر از  
بنیان‌گذاران و رؤسای قبلی، لازم می‌دانم که برای تصویب  
قوانین از طریق این مرکز بین خودمان و متخصصان کشور،  
مشاوران، صاحب‌نظران و نخبگان پیوند بزنیم تا بتوانیم از  
نقطه‌نظرهای آنها استفاده کنیم.

همچنین ما آن قدر هم قانون زیاد لازم نداریم؛ شما به  
قانون خدا نگاه کنید، بالاخره بعد از آخرین کتابش (قرآن) آن  
را ختم کرد، نه تبصره‌ای برایش آورد و نه اصلاحیه‌ای؛ هیچ  
تکمله دیگری نیز به آن اضافه نکرد. ما هم اگر تعدادی قانون  
درست و محکم داشته باشیم، نیاز کشور را برطرف می‌کند.

ان شاء الله از طریق مرکز پژوهش‌ها بتوانیم از نظرهای  
تخصصی دانشگاه‌ها، مراکز علمی - تحقیقاتی، اشخاص حقیقی  
و حقوقی صاحب‌نظر، دانشمندان و متفکران بهره‌مند شویم و  
حاصل این امر، تصویب قوانین با کیفیت، مؤثر و مفید برای  
مردم و کشورمان باشد.

از همه حضار محترم و سروران ارجمند که به عرایض بنده توجه کردند، متشکرم. از برگزارکنندگان این همایش و برادر بزرگوارمان آقای دکتر جلالی تشکر و قدردانی می‌کنم. امیدوارم ایشان در این دوره از مسئولیتشان با انگیزه فراوانی که دارند، بتوانند این مرکز را متحول کرده و ارتباط خوبی بین مرکز، مجلس و کمیسیون‌ها برقرار کنند؛ مجلسیان، همکاران عزیز بنده و کمیسیون‌ها سفارش‌دهنده باشند و بحث‌های فنی و علمی را از طریق مرکز پژوهش‌ها به متخصصان و صاحب‌نظران مربوطه ارجاع داده و در نهایت، نظر آنها را بپذیرند. والسلام علیکم و رحمة‌الله.

سخنرانی آقای دکتر لطف‌الله  
فروزنده (معاون رئیس‌جمهور  
در امور مجلس)





بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت دوستان و همکاران سابق و همه نمایندگان محترمی که شرف حضور دارند، سلام عرض می‌کنم.

همه ما می‌دانیم که مرکز پژوهش‌های مجلس، جایگاه ویژه‌ای دارد و خوشبختانه روزه‌به‌روز هم این جایگاه تقویت می‌شود. امیدوارم نمایندگان محترم قدر این نعمت را بدانند، زیرا تصمیم‌گیری در نظام مقدس جمهوری اسلامی مسئولیت دارد و همه باید برای هر قدمی، هر قلمی و هر تصمیمی که می‌گیرند، جواب‌گو باشند. وجود مرکز پژوهش‌ها هرگونه عذر و بهانه‌ای را از بین برده و حجت را تمام کرده است. چون در این مرکز پژوهشی عده‌ای از متخصصان تلاش و کوشش می‌کنند و نقطه نظرات صاحب نظران را جمع‌بندی کرده و در اختیار نمایندگان قرار می‌دهند.

تمام این بحث‌هایی که دوستان اشاره کردند و به لحاظ تجربه شش‌ساله‌ای که بنده در این مرکز داشتم، کم‌وبیش در مرکز پژوهش‌ها مورد توجه بوده است. به‌نظر من بهترین کاری که دوستان می‌توانند انجام دهند، بررسی میزان استفاده نمایندگان از این دستاوردهاست.

کارهای پژوهشی خوب و فراوانی در مرکز انجام می‌شود. من در مجلس هفتم و بخشی از مجلس هشتم که در مرکز پژوهش‌ها بودم به یاد دارم دو محور مورد توجه بود؛ محور اول، بحث

طرح‌های راهبردی بود که تلاش شد با کمک نمایندگان، اولویت‌های اصلی کشور شناسایی شده و قوانینی را که در این زمینه وجود دارند، بررسی کنیم. پس از بررسی قوانین و آسیب‌شناسی آنها بالاخره پیشنهادهایی را ارائه دادیم که می‌توان به قانون مدیریت خدمات کشوری، اصل (۴۴)، بحث تبصره «۱۳» - که بعدها پایه و اساس هدفمند کردن یارانه‌ها شد - و کارهای دیگر اشاره کرد. به نظر من همان فرایند، اکنون نیز باید به‌طور کامل دنبال شود و مطالبه جدی نمایندگان باشد، وگرنه مجلس دچار روزمرگی خواهد شد. شاید یکی از آفت‌هایی که الان در مجلس کنونی وجود دارد بحث طرح‌ها باشد. تا آنجا که من خبر دارم، میزان طرح‌ها نسبت به لوایح بیشتر است، به‌طوری که ۲۴ طرح فوری به مجلس آمده است. این موضوع، مطلب مهمی است که نمایندگان باید به اهمیت این مسئله توجه کنند.

محور دوم؛ مربوط به یکی از دغدغه‌های مدیران مرکز پژوهش‌ها، یعنی جلب اعتماد و توجه نمایندگان به حاصل مطالعات مرکز است. بنابراین انواع و اقسام گزارش‌های علمی هم، در این راستا تولید می‌شوند. گام بعدی دسته‌بندی نمایندگان با نگاه مشتری‌محور بود، به‌طوری که برای بعضی نمایندگان یک برگ (خلاصه گزارش) و برای بعضی که اهل فن بودند و می‌توانستند استفاده عملی کنند، یک گزارش جامع و پرمحتوا ارائه می‌شد. این موضوع، یکی از مسائل مهم در مرکز پژوهش‌هاست.

مورد بعدی که ما در مرکز پژوهش‌ها به‌منظور تحلیل و تنظیم گزارش‌ها با آن مواجه بودیم، دسترسی به اطلاعات از

طریق دولت بود. در مباحث مدیریتی و تصمیم‌گیری ۹۵ درصد، اطلاعات دخیل است و ۵ درصد ذهنیت، فکر، توانمندی و خلاقیت گیرنده مهم است. به همین دلیل در دنیا مراکز تصمیم‌سازی و اتاق‌های فکر، جایگاه ویژه‌ای دارند و معمولاً تصمیم‌گیرندگان به کارهایی که تصمیم‌سازان انجام می‌دهند، توجه ویژه‌ای دارند. از این رو باید اطلاعات کارشناسی عمیق و وسیع دولت را در اختیار مجلس قرار دهیم. این موضوع یکی از بحث‌های جدی است که باید در مرکز پژوهش‌ها به دور از هیاهو و بحث‌های سیاسی و به‌عنوان کاری مهم در فرایند سیاستگذاری کشور به آن توجه کرد. ان‌شاءالله با کمک آقای دکتر جلالی بتوانیم ضمن تبادل اطلاعات کارشناسی و آماری، مسیر و فرایند قانونگذاری را با در نظر گرفتن همه ابعاد آن نهادینه کرده و کارهای خوب و ارزشمندی را در کشور انجام دهیم.

امیدواریم دانشگاه‌های ما هم به این سمت سوق پیدا کنند و از مرکز الگو بگیرند. مهم‌ترین محور در مرکز پژوهش‌ها که اساس کارآمدی هم محسوب می‌شود این است که تحقیقات، نقش خود را در قانونگذاری نشان دهد و این امر به‌عنوان مهم‌ترین چالشی است که ما در تحقیقات علوم انسانی با آن مواجهیم. در این راستا مقام معظم رهبری طرح تحول علوم انسانی را با همین نگاه مطرح کردند که مرکز پژوهش‌ها به‌عنوان یک الگوی بسیار خوب می‌تواند این خلأ را پوشش دهد.

ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید به برکت صلوات بر محمد و

آل محمد.



سخنرانی آقای دکتر محسن  
اسماعیلی (حقوق دان شورای  
نگهبان)



سلام علیکم و رحمة الله. از جلسه خوبی که تشکیل دادید و حسن ظنی که داشتید و بنده را به جمع خودتان دعوت کردید، متشکرم؛ البته من به نوعی از خانواده مرکز پژوهش‌ها محسوب می‌شوم و به لطف خدا توفیق داشتم که چند پژوهش انجام دهم یا در پژوهش‌هایی ناظر باشم. اگر هیچ‌یک از اینها نیز نبود، می‌توانم ادعا کنم - ادعای صادقانه - که جزء خوانندگان دائمی گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها هستم. البته همه دوستان در شورای نگهبان این گزارش‌ها را می‌خوانند ولی من مطمئن‌ام که بدون مطالعه از کنار گزارش‌های شما عبور نکرده‌ام و مطالبی را هم یاد گرفته‌ام.

مرکز پژوهش‌ها صدقه جاریه و سنت حسنه‌ای بود که پایه‌اش در مجلس پنجم توسط آقای ناطق نوری گذاشته شد و امروز بحمدالله به یک بنای مستحکمی تبدیل شده و فکر می‌کنم نسبت به بودجه و امکاناتی که دارد، در مقایسه با سایر مراکز پژوهشی، کارنامه بسیار قابل قبولی دارد. چون من با مراکز پژوهشی دیگر هم مرتبطم، از آنچه در این مرکز انجام می‌شود راضی‌ام. طبیعتاً با حضور دوست عزیز و قدیمی‌ام، آقای دکتر جلالی که جوان‌ترند؛ شور و نشاط بیشتری هم به‌وجود

خواهد آمد. ان شاءالله همگی کمک می‌کنیم که این مرکز بیش از گذشته به نظام حقوقی جمهوری اسلامی خدمت برساند. من از کلیات می‌گذرم و در حد فرصتی که دارم خیلی مختصر به چند نکته اشاره می‌کنم.

پیرو سخن رهبر عزیزمان، پژوهش در هر کاری لازم است. در هر کاری این آموزه دینی ماست که: «ما من حركة الا و انت محتاج فیها الی المعرفة». منتها در قانونگذاری ضرورتش بیشتر است؛ چون قانون مبنای همه حرکت‌های دیگر است. شما امروز را نگاه نکنید. امام عزیز - به‌عنوان معمار و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی - می‌فرمایند که اگر قرار باشد ما یک نام برای حکومت خودمان انتخاب کنیم باید اسمش را حکومت قانون بگذاریم. چون بنا به فرض، قوه مجریه هم هر اندازه که زحمت می‌کشد باید براساس قانون باشد. قوه قضائیه نیز هر حکمی که صادر می‌کند، باید براساس قانون باشد. قانون محوری مشخصه این نظام اسلامی است. هر قانونی هم که گذاشته می‌شود - طبق فرضی که در دانشکده‌های حقوق داریم - برای حل مشکل و برقراری یک نظم جدید است.

بنابراین قدم اول، شناسایی مشکل می‌باشد؟ و قدم بعدی پیدا کردن سریع‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین راه برای حل این مشکل است؟ این همان مسئله‌ای است که از من و شما انتظار می‌رود.

مجلس درحقیقت، تبلور پاسخ‌گویی فقه شیعه به اداره جامعه در جهان امروز است؛ یعنی اگر قانونی که شما وضع



می‌کنید مغایرتی با شرع نداشته باشد و به تصویب شورای نگهبان نیز برسد، درحقیقت، این فقه مدون شیعه برای اداره جامعه است. اگر این قانون، خدای ناکرده ناکارآمد باشد یا - حتی بالاتر از آن - کم‌کارآمد باشد، به پای این نظام و این طرز تفکر نوشته می‌شود و ما نباید این اجازه را بدهیم.

اکنون پیش‌نویس قانون احزاب تکمیل شده است. این قانون یکی از نیازهای اساسی جامعه ماست، اما اینکه احزاب چه نقشی باید داشته باشند، چگونه تأسیس شوند، چگونه فعالیت کنند، حدود آزادی‌هایشان چه اندازه باشد، نحوه نظارت بر آنها چگونه باشد و چگونه به تخلفات و جرائمشان رسیدگی بشود، سؤال‌هایی‌اند که نظم جدیدی را برای آینده ما تعیین می‌کنند. یعنی نه تنها سرنوشت احزاب، بلکه سرنوشت کشور و انتخابات به این قانون بستگی دارد. بنابراین در رابطه با این قانون، چقدر به تحقیق، پژوهش و فکر نیاز داریم.

تجربه نشان داده است قانونی که در مجلس به تصویب می‌رسد تا آزموده و بعد اصلاح بشود، هزینه‌های زیادی از نظر زمانی و مادی بر کشور تحمیل می‌کند. اما اگر بتوانیم جلوی این‌گونه هزینه‌های اضافی را بگیریم و عمداً یا سهواً این کار را انجام ندهیم، با رسالتی که برعهده داریم متناسب نیست. قانون باید نظم جدیدی برقرار کند که بهترین نقشه راه با شرایط زمانی و دارایی‌های کشور باشد. برای این امر، من چند نکته را فهرست‌وار یادآوری می‌کنم.

اولاً، ما احتیاج به سازوکار سوژه‌یابی پژوهشی داریم. در

بعضی از مراکز پژوهشی - نه شما - این مشکل وجود دارد که کارشان براساس ذائقه پژوهشگران تنظیم می‌شود؛ یعنی آنها موضوعی را پیشنهاد می‌کنند و ما تابع ذوق و سلیقه آنها هستیم. این کار عیبی ندارد، چون به هر ذهنی مطلبی می‌رسد که ممکن است به ذهن دیگران نرسد. اما با توجه به اطلاعاتی که من از نظام حقوقی و وضعیت کنونی کشور دارم، پیشنهادم به دوستان این است که اگر موافق‌اید تدوین «اطلس جامع پژوهشی کشور» را در دستور کار مرکز پژوهش‌ها قرار دهید. یعنی به یکدیگر کمک کنیم و از نهادهای مختلف استمداد بگیریم و پازلی درست کنیم که معلوم باشد دورنمای پژوهش کشور مثلاً این ۱۵۰ قطعه را لازم دارد. حالا به تناسب اولویت‌ها و امکاناتی که داریم هریک را انجام می‌دهیم آن وقت معلوم است که کدام کار را انجام داده‌ایم و کدام باقی مانده است. اگر ما چنین اطلسی داشته باشیم - که بعضی جاها ما این را تجربه کرده‌ایم و جواب مثبت داده است - یعنی معلوم می‌شود که مثلاً در طول بیست سال آینده برای دست یافتن به سند چشم‌انداز باید این پژوهش‌های بنیادی را انجام بدهیم؛ این کار غیر از پژوهش‌های کاربردی و روزانه است. بیایم این پژوهش‌های بنیادی را در دستور کار قرار بدهیم و بدون اینکه گرفتار کارهای روزمره شویم، آهسته‌آهسته جلو برویم.

من وقتی به بعضی از مشکلات کشور نگاه می‌کنم واقعاً به‌نظرم می‌رسد که برای حل برخی از آنها چاره‌ای نداریم جز اینکه طرح‌های دوفوریتی و حتی سه‌فوریتی بدهیم. گاه،

خسارت‌هایی که از بعضی حوزه‌ها به کشور وارد می‌شود در این حد است ولی هیچ‌کس آگاه به آن نیست. چرا دوفوریتی‌ها معمولاً معطوف به نیازهای روزمره شده است؟ چون هیچ نوع پژوهشی ما را پشتیبانی نمی‌کند. درست است اکنون ما خسارت فلان اقدام را متوجه نمی‌شویم، ولی در پنج سال آینده چنین خسارتی را انتظار داریم که قابل جبران نیست. از این رو باید برای آن کار، طرح دوفوریتی یا سه‌فوریتی تهیه کنیم؛ و این موقعی امکان‌پذیر است که بتوانیم اطلس موضوعات پژوهشی را برای مرکز تهیه کنیم و مشکل را از مشکل‌نما جدا سازیم.

بعضی از تحقیق‌ها در بسیاری از موارد مشکل‌نما بوده و در حال حاضر مشکل جدی ما نیستند و علاقه یک فرد ایجاب می‌کند که درباره آن موضوع مطالعه‌ای صورت بگیرد. ما باید این موارد را از همدیگر تفکیک کنیم.

ثانیاً، تعیین سازوکار اولویت‌سنجی است. از اولین اولویت‌هایی که آقای دکتر جلالی با بنده مطرح کردند این بود که چگونه باید این مرکز را رشد و توسعه دهیم — با این بودجه‌ای که داریم و برای کارهای جاری است — تا بتوانیم کارهای خیلی بزرگ‌تر را انجام دهیم. این سخن کاملاً درست است. آن پژوهش‌هایی که من می‌گویم، با این بودجه‌ها و این امکانات، محقق‌شدنی نیست، اما به‌رحال با توجه به اولویت‌ها و میزان امکانات، باید نظام‌سنجی انجام دهیم. اکنون به‌ترتیب اولویت، از آن اطلس جامعی که داریم کدام را و به چه دلیلی باید انتخاب کنیم.

یکی از پیشنهادهای عملیاتی که من در مراکز پژوهشی خارجی دیدم و بسیار پسندیدم را برای دوستان بیان می‌کنم. من در سال ۱۳۷۵ برای همین مرکز، پژوهشی درباره قانون مطبوعات انجام دادم. آن موقع شاید این پژوهش طبق ادعای من پژوهش خوبی بود. اما با گذشت ۱۶-۱۵ سال پرفرازونشیب در کشور و در دنیا، تحقیق آن روز به درد امروز نمی‌خورد. حالا چه کار باید کرد؟ آیا مراکز پژوهش‌ها باید پژوهش جدیدی در این زمینه ارائه دهد؟ من در مراکز پژوهشی بعضی از کشورها دیدم که از همان محقق قبلی خواهش می‌کنند و حق‌الزحمه‌ای به وی می‌دهند و می‌گویند که شما پژوهش قبلی‌ات را به روز کن. هم برای خود او لازم و مفید است و هم سرعت کار را زیاد می‌کند. ما بسیاری از پژوهش‌ها را اکنون در مرکز داریم که در زمان خود جزء بهترین‌ها بوده ولی امروزه با تغییر قوانین، مقررات و شرایط ممکن است آن کارآمدی را نداشته باشد. اگر من دوباره بخواهم این پژوهش را انجام دهم، بسیاری امکانات از شما و وقت از خودم را تلف می‌کنم. باید بتوانیم ویرایش جدید انجام دهیم. حالا لازم نیست که حتماً محقق قبلی باشد، می‌توانیم این کار را به محقق بعدی بدهیم تا این کار را برایمان انجام دهد.

ثالثاً، ساختن یافته‌های پژوهشی سازوکاری برای محقق است. ما به پژوهش، تحقیق می‌گوییم. تحقیق برای تحقق است. ما برای زینت کتابخانه پشت سر مدیران، تحقیق نمی‌کنیم. اگر تحقیقی تأثیری در روند کار ندارد، حداقل‌اش این است که در اولویت کاری نیست. تحقیقی برای ما اولویت

دارد که بتوان نتیجه‌اش را پیدا کرد. کار بسیار خوبی است که معمولاً در آخر گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، همیشه پیشنهاد یا نقدی به‌طور روشن و شفاف وجود دارد، اما یافتن یک سازوکار برای عملیاتی کردن همین پیشنهاد ضروری است. پژوهشی را چندین سال پیش سیصد نفر از نخبگان رشته‌های مختلف در آمریکا انجام دادند. عنوان این پژوهش، ارائه استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن بیست و یکم بود. شما به‌عنوان یک نمونه، آن را نگاه کنید و ببینید که در آخر چقدر به‌صورت ریز، روشن و شفاف، نتیجه‌گیری می‌کند. مثلاً می‌گوید: به‌دلیل رشد بیولوژیکی که در دنیا داریم، درس شیمی باید در دبیرستان‌های ما تقویت شود، هفته‌ای دو ساعت، هزینه‌اش این‌قدر است و در بودجه نیز باید لحاظ شود. این‌گونه به‌صورت کامل برنامه‌ریزی کرده‌اند و ما باید کار خوب را از هرکسی که باشد، یاد بگیریم. نحوه عملیاتی کردن اینها خیلی مهم است. تحقیقات انتزاعی بد نیست و ما مخالف آنها نیستیم ولی شاید در اولویت کار نباشند. تحقیقات کارکردگرا، نتیجه‌بخش و دارای کاربردی و متقاضی، نیاز کشور است. من در ابتدای بسیاری از پژوهش‌ها دیده‌ام که نام متقاضی آن نوشته شده که این نشان‌دهنده اولویت آن است، ولی اگر صرفاً برای خودم این کار را انجام دهم، این در اولویت کار ما نیست. رابعاً، یک فرهنگ نادرست در بین ما وجود دارد که همیشه از بالا تا پایین می‌گوییم ببینیم چه می‌شود. در فرهنگ دینی ما، ببینیم چه می‌شود، نداریم. باید ببینیم که چه

می‌خواهیم بشود. نباید منتظر باشیم که دنیا و آینده ما را مدیریت کند. ما باید آینده را مدیریت کنیم. آینده را پژوهش‌های شما می‌سازد. توصیفی نیست، بلکه تحقیقی است. ما باید بگوییم که بیست سال آینده چگونه باید باشد. این پژوهشی است که راه کشور را روشن می‌کند.

به نظر من، آینده‌پژوهی باید به‌طور خاص در دستور کار قرار گیرد و هرگونه مطالعه موردی هم نگاهش به این سو باشد. مثلاً این قانونی که برای احزاب می‌نویسیم و می‌خواهد در آینده اجرا بشود، بیست سال آینده احزاب در دنیا چه قواعدی دارند؟ چه جایگاهی دارند؟ چه موقعیتی دارند؟ در کشور ما چه وضعیتی دارند؟ آیا این قانون می‌تواند مشکلات آنها را حل کند؟ اگر ما به آینده نگاه نکنیم و همه نگاهمان به گذشته باشد و حداکثر فقط از قانون کنونی عیب‌یابی کرده باشیم، این اقدام گام بلندی برای جهش کشور نیست.

مسئله دیگری که لازم است - با عرض معذرت - به تیتیر همایش اضافه کنم، این است که: «نظارت فقط برای قانونگذاری نیست»؛ بلکه پژوهش در فرایند نظارت هم مهم است و این مطلب باید به بخشی از کارهای ما اضافه شود. ما به پژوهشی در خصوص دلایل عدم اجرای کامل قوانین در کشور احتیاج داریم. چرا پیشنهادهای به این خوبی و با این هزینه به سرانجام می‌رسند ولی اجرا نمی‌شوند؟ خوب بعضی از قوانین قابلیت اجرا ندارند و متناسب با اوضاع نیستند، ولی چرا بسیاری از قوانینی که مشکلی ندارند اجرا نمی‌شوند؟

مرحوم علامه میرزا محمدحسین نائینی (رضوان... علیه) که فقیه برجسته‌ای است - و کسانی که با مکتب ایشان آشنایی دارند نهایت احتیاط را در ایشان می‌بینند - در کتاب *تنبيه‌الامه* یک تعبیری دارد که انسان با خواندنش واقعاً به خود می‌لرزد. نائینی در این کتاب می‌گوید: قانون مصوب مجلس باید رساله عملیه مدیران اجرایی باشد. این حرف، حرف من و شما نیست؛ حرف حدوداً صد سال پیش میرزای نائینی است. می‌گوید: همان‌گونه که یک مقلد قبل از اینکه هر کاری بکند ابتدا رساله عملیه مرجع تقلیدش را می‌بیند که مجاز است این کار را بکند یا نه و اگر مجاز است چگونه باید آن را انجام دهد، یک مدیر اجرایی هم باید قانون را به‌مثابه رساله عملیه در دست داشته باشد و اول به قانون مراجعه کند. این حرف یک فقیه برجسته صد سال پیش است، آیا امروز، حرف من باید این باشد که این قانون را قبول ندارم؟ چقدر سقوط کرده‌ایم؟ چقدر عقب رفته‌ایم؟ یعنی باید از زمان مشروطه هم عقب‌تر برویم؟ چقدر باید هزینه این تجربه‌ها را پرداخت کنیم؟ ببینیم چرا قوانین اجرا نمی‌شوند؟ این خود احتیاج به پژوهش دارد.

به‌عنوان مثال، چهار سال پیش با زحمت زیاد و با مطالعات فراوانی که در مرکز پژوهش‌ها انجام شد، قانونی به نام «قانون دسترسی و انتشار آزادانه اطلاعات» تصویب شد. این قانون باینکه کامل و جامع نیست - من نیز بر آن نقدی نوشته‌ام و منتشر شده است - ولی در صورت اجرا (ی‌همین قانون ولو ناقص) بسیاری از مشکلات ما حل خواهند شد. چهار سال از تصویب این قانون

گذشته و در ماده (۲۳) قانون اساسی هم آمده است که دولت، سه ماه فرصت دارد تا آیین‌نامه اجرایی بنویسد و این قانون را اجرا کند. چهار سال دیگر می‌گذرد و شما هم از آن خبر ندارید؛ چرا؟ تصویب این قانون چقدر هزینه مادی و معنوی از این کشور صرف کرده است؟ چرا ما باید برای کتابخانه‌ها و قطور کردن مجموعه قوانینمان زحمت بکشیم؟ این کار فی‌نفسه که ارزش نیست؛ ما باید فهرست یا لیستی از قوانینمان تهیه و آن را بررسی کنیم تا ببینیم چرا اجرا نمی‌شوند؟ مگر می‌شود قانونی از مصوبات مجلس که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است، بی‌دلیل زمین بماند؟ چرا باید این کار به قدری عادی شود که اجرای آن پیگیری هم نشود؟

وقتی امام (رضوان‌الله‌علیه) می‌فرمایند گذشتن از چراغ قرمز به دلیل اینکه نقض قوانین جمهوری اسلامی تلقی می‌شود حرام است، آیا عبور از قوانین مصوب مجلس حرام نیست؟ آیا این حرام بودن و زیر پا گذاشتن قوانین، برای مردم عادی است که از چراغ قرمز رد می‌شوند؟ یا نه باید از مسئولان یاد بگیرند و ببینند که بنا به فرمایش مرحوم میرزای نائینی، به قانون به‌عنوان رساله عملیه نگاه می‌شود یا خیر؟ در این شرایط است که فرهنگ قانون‌گرایی در کشور رشد می‌کند.

یک پیشنهاد هم دارم که البته این کار را ما باید انجام می‌دادیم ولی ظاهراً انجام ندادیم و نمی‌توانیم انجام بدهیم. دوستان عزیز، پیشنهادم رویه‌سازی حقوقی است که توضیح می‌دهم. به‌عنوان مثال اگر آمار بگیرید، می‌بینید که در هر سال



حداقل ۵۰ درصد ایرادهای شورای نگهبان به مجلس، راجع به اصل (۷۵) است. درباره برداشتمان از این اصل مطالعه و تحقیق کنیم. تمام ایرادهای شورای نگهبان را جمع‌آوری کنید و ببینید آیا همه‌اش مثل هم است؟ ایراد آن چیست؟ تفاوتش چیست؟ چرا متفاوت است؟ این کار به شما کمک می‌کند تا دوباره قوانین این چنینی تصویب نکنید و به ما نیز کمک می‌کند که چگونه ایراد بگیریم. یا بسیاری از اشکال‌ها حول این موضوع است که مثلاً مرز بین اجرا و تقنین رعایت نشده است. در این موارد، احتیاج به کدسازی و رویه‌سازی است. همان‌طور که ما در رشته خودمان قانون تصویب می‌کنیم و هر دادگاهی از آن برداشتی دارد - اجازه هم دارند که برداشت داشته باشند - ولی وقتی این برداشت‌ها خیلی متفاوت می‌شود باید به وحدت رویه برسیم؛ زیرا با این کار، هم مشکلات حل می‌شوند و هم اینکه هرکس می‌داند با قانونی که وجود دارد، چگونه رفتار کند.

پیشنهاد دیگر من به دوستان تبادل اطلاعات و تجربیات مرکز پژوهش‌ها با مراکز پژوهشی دنیاست. این کار کمک فراوانی به این موضوع می‌کند. عزیزان، فرایند قانونگذاری را ما اختراع نکرده‌ایم و نمی‌خواهیم هم اختراع بکنیم. در همه دنیا این فرایند را ۲۰۰-۳۰۰ سال پیش تجربه و منتشر کرده‌اند و در دسترس هم است. با تعامل محققان، شما می‌بینید که کلی از هزینه‌های ما نیز کم می‌شود.

ما می‌توانیم با مراکز پژوهشی و مجالس دنیا از طریق اتحادیه بین‌المجالس و غیره تبادل تجربه داشته باشیم. به‌نظر

من لازم است که این اقدام صورت بگیرد. علاوه بر آن دانشگاه‌ها نیز می‌توانند کمک خیلی خوبی باشند. برای اینکه شما هزینه کمتری مصرف بکنید و سریع‌تر به نتیجه برسید، بعضی از کارها را هم می‌توانید در خود مرکز انجام ندهید و در قراردادهایی به دانشگاه‌ها واگذار کنید و از امکانات آنها بهره‌مند شوید.

امیدوارم مرکز پژوهش‌ها که از یک نهال نازک لاغراندام، امروز بحمدالله به یک شجره طیبه تنومندی مبدل شده است بتواند ثمرات بیشتری داشته باشد. والسلام علیکم ورحمةالله.

سخنرانی حجت‌الاسلام  
والمسلمین آقای احمد مبلغی  
(رئیس مرکز تحقیقات اسلامی قم)



بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا باید از برادر فاضل و گرامی، آقای دکتر جلالی، تشکر کنم که چنین ابتکاری را به خرج دادند و این همایش پژوهشی را در باب قانون برگزار کردند.

بحث خود را حول چند نکته اساسی ارائه می‌کنم. نکته اول اینکه گاهی پژوهش در برخی حوزه‌ها انجام نمی‌گیرد؛ چون شیوه، حوزه، ادبیات و قواعد و سیاست‌های حاکم بر پژوهش در آن زمینه مبهم است. بنابراین باید یک پژوهش پیشینی در این باره انجام بگیرد تا مشخص شود که ما در این حوزه به چه دست‌مایه‌ها و درون‌مایه‌ها و جان‌مایه‌های فکری و سیاستگذاری و غیره نیازمندیم. این نشست فراهم‌کننده مطالعات پیشینی از این دست است.

در باب قانون، چند نوع پژوهش لازم است که انجام شود. سنخ اول پژوهش درباره خود قانون است که دانش حقوق و پژوهشگران عرصه حقوق، مسئول چنین مطالعاتی‌اند و باید به سؤالاتی از قبیل قانون چیست؟ چه خصوصیتی دارد؟ باید از چه منابعی نشئت بگیرد؟ پاسخ دهند.

سنخ دوم پژوهش، در خصوص روند قانونگذاری است. قانونگذاری به‌عنوان یک عملیات، قطعاً دارای روندی است که اگر از قبل پژوهش نشده باشد، روند قانونگذاری در یک وضعیت نادرست و به‌صورت بی‌نظم و به‌گونه‌ای غیربرخوردار از

نگاه‌های اولویت‌مند یافته شکل خواهد گرفت. طبیعتاً در این حوزه نیز باید مطالعه‌ای انجام شود.

سومین بخش از پژوهش درباره قانون، مربوط به اجرای قانون و حوزه‌ها و ساحت‌هایی است که قانون باید در آنجا اجرا شود. اگر ما روند قانونگذاری را به‌درستی انجام دهیم و همه مراحل را پژوهش شده، پشت سر بگذاریم و سپس این قانون را به جامعه ببریم بدون اینکه پژوهشی درباره فرهنگ و آموزش و ابزاری که می‌خواهیم آن را اجرا کنیم، کرده باشیم، طبیعتاً در اجتماع به شکلی، ضعیف و کم‌رنگ بروز پیدا خواهد کرد. پس باید درباره ساحت و محل اجرای قانون هم پژوهش بشود.

چهارمین موضوع قابل مطالعه و پژوهش - که شاید دشوارترین و پرهزینه‌ترین موضوع پژوهش در زمینه قانون نیز باشد - محتوای قانون است. در ارتباط با محتوای قانون، باید با تکیه بر نظرهای متخصصان، نیازهای جامعه و حوزه‌هایی که لازم است قانون بر آن حوزه‌ها احاطه داشته باشد را، شناسایی کنیم؛ و به‌صورت سلیقه‌ای و شتاب‌زده و براساس یک قیام و قعود بدون تکیه بر پشتوانه علمی، عمل نکنیم.

نکته دوم مربوط به نظریات تخصصی متخصصان است. محتوای قانون اگر مربوط به حوزه اقتصادی است باید نظرهای اقتصاددانان اخذ شود و اگر در حوزه جامعه‌شناختی است از صاحب‌نظران این حوزه و اگر در حوزه فرهنگی است از کسانی که در زمینه فرهنگ، تخصص دارند بهره‌گیری شود. به هر حال گاهی اوقات، قانونی مربوط به یک حوزه است ولی

شامل ابعادی از حوزه‌ها و دانش‌های دیگر نیز می‌شود، پس مجموعه‌ای از کارشناسان همیشه باید مرتبط با قانون باشند. با توجه به اینکه دانش کارشناسان فقط برای آموزش در دانشگاه‌ها نبوده و مدد رساندن به بهترین، کارآمدترین، پرتأثیرترین و فراگیرترین حوزه، که حوزه تقنین است، نیز مدنظر است، بنابراین قانونگذاران باید همیشه مشاوران و کمیته‌های تخصصی را در کنار خود داشته باشند؛ در غیر این صورت، امر تقنین و قانون سلیقه‌ای، غیرتخصصی و نیمه‌تخصصی - که گاهی نیمه‌تخصصی بدتر از نبود تخصص است - خواهد شد.

سومین نکته مربوط به نظریات فقهی است که بخشی از محتوای قانون را تشکیل می‌دهند. محتوای قانون، باید از دیدگاه متخصصان و نیازهای جامعه مأخوذ شود. محتوا باید ناظر به نیازهای جامعه و تأمین‌کننده نیازهای جامعه باشد و فقه نیز در میان باشد، چون قانون باید به فقه وفادار بماند. برای ورود به این امر ما باید بدانیم که «روح‌القانون» چیست؟ ابتدا باید سه مورد را در امر تقنین مدنظر قرار داد:

یکی ذهنیت قانونگذار و دومی قصد قانونگذار است. گاهی ذهنیت قانونگذار برای خودش هم نامعلوم است بلکه کاشف روح‌القانون آن را درمی‌یابد؛ و سومی علامت‌ها و نمودهایی‌اند که بعد از وضع قانون و انسجام آن، عینیت و شمای بیرونی را از خود نشان می‌دهند. این سه چیز را ما روح‌القانون می‌دانیم. روح‌القانون را چه کسی کشف می‌کند؟ چرا حقوق‌دانانی که با قانون سروکار دارند کشف می‌کنند؟ دلیل اول، برای تکمیل قانون

است. وقتی می‌خواهند قانون را تکمیل کنند با استفاده از منبع روح‌القانون این کار را انجام می‌دهند. دلیل دوم، برای تفسیر قانون و اجرای آن است. دلیل سوم، برای تطبیق قانون است. یعنی کسانی که در مقام عمل با توجه به روح‌القانون می‌خواهند قانون را اجرا کنند و از فضایی که روح قانون وجود دارد، دور نشوند.

«روح‌الشریعه» چیست؟ آیا روح‌الشریعه در ادبیات فقهی ما

شکل گرفته است یا خیر؟ بله، آنهایی که با فقه‌آشنایی دارند به یک کلیدواژه مهم در فقه برمی‌خورند. این کلیدواژه می‌تواند با فعال شدن، پررنگ شدن و رشد کردن، فقه را به‌صورت عقلانی، دقیق و پاسخ‌گو در خدمت قانون قرار دهد.

روح‌الشریعه دقیقاً پدیده‌ای است مثل روح‌القانون ولی با

این توصیف و توضیح که روح‌الشریعه یعنی اعتبارات شارع، ورای قانون و شریعتی که شارع مقرر کرده است. چون شما نمی‌توانید بگویید که شریعت شارع، بدون پشتوانه و بدون تکیه بر آن اعتبارات بوده است؛ به تعبیر دیگر، نمی‌توانید بگویید که خداوند به‌صورت فله‌ای شریعتی را ارائه کرده است بدون اینکه منسجم و با هدف باشند و بدون اینکه همدیگر را تکمیل کنند و قدرت پاسخ‌گویی در آنها تعبیه شده باشد. اگر این‌گونه باشد معنایش این است که خدا را حکیم نمی‌دانید و خدا را در امر تشریح، عبث و عابث می‌بینید، و این برخلاف دیدگاه ماست زیرا ما یک بشر عادی را نمی‌توانیم در امر قانون دچار عبث و فعل بی‌هوده تعریف بکنیم تا چه برسد به خدای حکیم و عالمی که همه علم‌ها از او نشئت می‌گیرند.



بنابراین، اگر شما مجموعه شریعت را با یک مطالعه جدید، در ورای این شریعت و درون این شریعت، بررسی کرده و روح آن را شناسایی کنید، درمی‌یابید که این روح‌الشریعه است که در ادبیات فقهی ما هم وجود دارد. اما چون همیشه رابطه فقه و شریعت گسسته بوده و واژه روح‌الشریعه در فقه ما در حاشیه مانده است، می‌توان آن را فعال و پررنگ کرد. درحقیقت، وقتی روح‌الشریعه را مطرح می‌کنیم در آن، خصایص و صفاتی نهفته است.

خصلت اول این است که روح، همیشه درون یک مجموعه است. استنباطاتی که ما در حوزه انجام می‌دهیم، استنباطات تک‌حکم‌هاست؛ ولی مجموعه‌های ناظر به یک موضوع را ما در استنباطش کمتر ورود پیدا کرده‌ایم. حوزه علمیه می‌تواند با همه ابزارهای بالقوه و بالفعلی که در اختیار دارد، این روح نهفته در مجموعه‌ها را استنباط و عرضه بکند. بنابراین روح، مربوط به یک مجموعه است.

خصلت دوم، منظومه‌ای بودن یک مجموعه است. شما مجموعه‌ای از احکام منسجم را می‌توانید کنار هم بگذارید، اما یک مجموعه بی‌ارتباط با یکدیگر، غیرمکمل نسبت به هم، غیربرآورنده یک هدف واحد و به تعبیر دیگر مجموعه‌ای که هرکدام از یک منطق استفاده می‌کنند را نمی‌توانید کنار هم بگذارید. روح‌الشریعه می‌گوید: اینها مجموعه‌هایی‌اند که یک روح دارند. به‌عنوان مثال درباره مالکیت، مجموعه‌ای را که شما انتزاع و استنباط می‌کنید یک روح واحد، ساری، جاری و سیلان‌یافته در این مجموعه است. بنابراین روح‌الشریعه اولاً، مربوط

به مجموعه است، ثانیاً، مربوط به یک مجموعه منظومه‌ای می‌شود. وقتی صحبت از مجموعه منظومه‌ای می‌شود یعنی هدف واحدی را دنبال می‌کند و از یک روح واحد بهره گرفته و حیات خودش را شکل می‌دهد. دقیقاً در همین اینجا فقه و حقوق باهم همخوانی پیدا می‌کنند.

در حقوق تعبیری به نام نظام حقوقی وجود دارد. نظام حقوقی به معنای کلامی‌اش، نظام حقوقی کلان نیست، بلکه منظور از آن درزمینه ملکیت، تجارت، ورشکستگی یا درزمینه مالکیت معنوی و غیره می‌باشد. هر کدام از اینها یک نظام حقوقی دارند، یعنی به یکدیگر متصل‌اند. روح الشریعه وقتی استنباط می‌شود چه فایده‌ای دارد؟ ۱. برای قانونگذاری. این برخلاف روح القانون است. روح القانون بعد از وضع قانون است ولی روح الشریعه استنباطش برای نهادن قانون است. البته باز تکرار می‌کنم که این به معنای استغنا از درون‌مایه‌های تخصصی نیست که باید در موقعیت دیگری بحث شود. ۲. تفسیر قانون و ۳. تطبیق قانون، آنچه بیان کردم تنها یک محوربندی کلی بود که فقه باید یک استنباط ویژه - با همه آن ابزارهای استنباطی اجتهادی - انجام دهد.

ما در قم به‌عنوان مرکز تحقیقاتی آمادگی داریم که از اندیشه‌های حوزویان و دانشگاهیان استفاده کنیم و در یک تعامل متقابل با رئیس محترم مرکز پژوهش‌های مجلس - که از امکانات انسانی، فکری و تخصصی سطح بالا و باتجربه برخوردار است - بتوانیم به‌عنوان دو بازوی مشورتی و کارشناسی در خدمت قانونگذاری باشیم. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.

سخنرانی آقای دکتر محمد  
نهاوندیان (رئیس اتاق بازرگانی،  
صنایع، معادن و کشاورزی ایران)



بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين. از ابتکار برادر عزیزم آقای دکتر جلالی و اهتمام دست‌اندرکاران مجلس به بحث بسیار اساسی و حیاتی رابطه پژوهش و قانونگذاری، تشکر و قدردانی می‌کنم. من ۱۰ نکته و یک پیشنهاد را یادداشت کردم که به فرزندگان مجلس ارائه دهم.

بنده توفیق داشتم که در شورای پژوهشی مرکز پژوهش‌ها از نزدیک در جریان کار این مرکز باشم. همچنین، شاهد بودم که چگونه یک ابتکار بسیار ارزشمند از سوی برادر عزیزم آقای دکتر محمدجواد لاریجانی به یک نهاد در کشور تبدیل شد و زحمات مدیران در دوره‌های مختلف، آن را پروراند. در دوره برادر عزیزمان آقای دکتر توکلی، اثرگذاری مرکز پژوهش‌ها بر مجلس و کشور بسیار افزایش یافت. اکنون، هم برای ارزیابی و تقدیر از تلاش‌های گذشته و هم برای آغاز یک فصل جدید، وقت بسیار مناسبی است.

نکته اول که باید به طور جدی در این ارزیابی مورد توجه قرار گیرد، ضرورت نگاه سیستمی است. وقتی در قانونگذاری؛ جامعه، حیات اجتماعی و حیات تمدنی را واحدی دینامیک و پویا بدانیم بلافاصله ما را به ضرورت نگاه نظام‌مند می‌رساند. شما به هیچ وجه نمی‌توانید بخشی از این واقعیت پویا را مورد

تصمیم‌گیری قرار دهید بدون اینکه آن بخش را مرتبط با دیگر اجزا و هدف ببینید. این یعنی مطالعه سیستمی؛ اگر ما قانونگذاری کنیم و مطالعه‌ای سیستمی به‌عنوان مطالعه پشتیبان نداشته باشیم، حتماً به‌درستی قانونگذاری نکرده‌ایم و وظیفه خودمان را در قانونگذاری انجام نداده‌ایم. مثلاً درباره مالیات تصمیم‌گیری کنیم اما ندانیم که این مالیات بر نظام آموزش و پرورش، نرخ رشد تولید و مسائل تربیتی ما چه اثری خواهد گذاشت. مطالعه سیستمی نیز با بدیعه‌پردازی به‌دست نمی‌آید و حتماً به پژوهش‌های سیستمی چون کارکرد سیستم‌های اجتماعی، کارکرد زیرسیستم‌های اجتماعی و تدوین استراتژی‌هایی که بر قوانین موضوعی پرتوافکن باشند، لازم داریم.

نکته دوم در مسئله قانونگذاری - به‌غیراز ملاحظه هدف و کارکرد قانونمند سیستم - ملاحظه اقتضایی است. زمان‌آگاهی از لوازم یک تصمیم‌گیری آگاهانه است. ملاحظه اقتضائات زمان و مکان در کدام بخش از قانونگذاری می‌آید؟ نکته اولی باعث ضرورت ثبات در سیستم و نکته دومی موجب ضرورت تغییر می‌شود. ما نقطه بهینه بین ثبات و تغییر را کجا می‌یابیم؟ قانونی بیشترین توفیق را دارد که یک نگاه اطمینان‌بخش و افزایش‌دهنده؛ قدرت برنامه‌ریزی فعالان اجتماعی و اقتصادی را نوید بدهد؛ قانونی که از مجلس بیرون می‌آید اگر مردم به آن اعتماد داشته باشند و احساسشان این باشد که روی آن مطالعه انجام شده است و تا پنج، ده یا پانزده سال دیگر قانون است، آن وقت شما می‌توانید توقع داشته باشید که سرمایه‌گذار برای

ایجاد اشتغال در جامعه، هزینه کند تا برای ده سال دیگر یا پانزده سال دیگر در این کشور شغل ایجاد کند. اما اگر احساس مردم این باشد که امروز این قانون تصویب شد و فردا یک قانون دیگر را تصویب می‌کنند و سال دیگر هم خودشان آن را عوض می‌کنند یا یک دولت دیگر می‌آید و کل قانون برنامه را کنار می‌گذارد، نباید توقع داشته باشیم که محیط کسب و کار ما در این وضعیت، سرمایه داخلی یا خارجی جذب کند.

پس، از سویی ما ثبات لازم داریم، اما از سوی دیگر، این سخن هم درست است که قانونی تحقق بیشتری پیدا می‌کند که نسبت به واقعیات مصداقی، انعطاف‌پذیری داشته باشد؛ آیا این امر ما را به تناقض نمی‌رساند؟ پاسخ منفی است؛ ما علاوه بر آن به پژوهش‌های سیستمی و پژوهش‌های میدانی نیز نیاز داریم. هنگام نگارش قانون، اگر وقوف و اشرافمان به اقتضائات زمانی و مکانی، کافی باشد و حکم یک استان گرم را برای یک استان سرد ننویسیم و مباحث آمایش سرزمینی را در مطالعات لحاظ کنیم، آن وقت به پژوهش‌های میدانی نیاز داریم.

قصدم این است که تا پایان عرایضم، چهار تا پنج نوع پژوهش را بیان کنم و بعد نتیجه بگیرم، اما نکته بدیهی درباره اقتضائات زمانی این است که اگرچه در قانونگذاری و سیاستگذاری به اقتضائات زمانی باید توجه شود، اما از شتابزدگی در تصویب قوانین نیز باید اجتناب کنیم. اینکه من به دلیل مسئله‌ای که امروز پیش آمده است یک قانون دائمی تصویب کنم، نادرست است. قانون بنا به تعریف، با مقررات و

سیاستگذاری زمان‌دار متفاوت است. به همین دلیل، قانون زمان‌دار با قانون دائمی متفاوت است. اینکه من براساس اقتضائات سال ۱۳۹۱ - که ویژه است - یک قانون مادر تصویب کنم، قابل دفاع نیست. عیبی ندارد که ما قانون‌های زمان‌دار داشته باشیم - البته بیشترین حوزه این امور، حوزه قوه مجریه است. اما شبیه قانون برنامه که پنج‌ساله است و برای اقتضائات زمانی دوره پنج‌ساله از مراحل توسعه، مواردی را تجویز می‌کند و اینکه در قوانین مادر، تحت تأثیر قوانین لحظه‌پردازانه قرار بگیریم، «ذنب لا یغفر» است.

نکته سوم؛ اندازه مطلوب قانون چیست؟ ما چقدر قانون برای کشورمان لازم داریم؟ همانند مسئله‌ای که در روان‌شناسی فردی صحبت می‌شود، در روان‌شناسی اجتماعی نیز مطرح است. یکی از ریشه‌های اضطراب افراد مضطرب، انباشتگی است. اگر شما میزان موفقیت یک مدیر یا هرکسی را بخواهید بسنجید، اول میزش را ببینید، کمدش را نگاه کنید، اگر همه چیز روی هم تلنبار شده است بدانید که این فرد نمی‌تواند تصمیم درستی بگیرد. انباشتگی، یکی از ریشه‌های اضطراب است. اگر ما در سیستم قانونی جامعه، انباشتگی ایجاد کردیم هیچ‌کس را نمی‌توانید پیدا کنید که بگوید من مجموعه قوانین و مصوبات این حوزه را بلدم. هرکسی از داخل کمدش می‌تواند یک تبصره یا ماده‌ای دربیآورد و هیچ جایی هم نباشد که تعارضات را ببیند و اعلام کند.

اخیراً الحمدلله مطلع شدم که در اداره قوانین در این زمینه کارهای خوبی انجام شده است. ما هم یک کار بسیار مختصری در حوزه اقتصاد انجام داده‌ایم که گزارشش را تقدیم خواهیم کرد.



اصولاً چند قانون برای هر بخش از حیات اجتماعی مان لازم داریم؟ به دلیل اینکه ما قوه مقننه زنده و پویایی داریم، تولید قانونمان باید خیلی زیاد باشد؟ من دو سه دوره در مجلس بودم. در اول هر دوره، خدمت رئیس مجلس رسیدم و پیشنهاد کردم که برنامه این دوره از مجلس را به جای افزایش تعداد قوانین، کاهش آن قرار دهیم؛ کاهش نه به معنای اینکه با کمبود قوانین روبه‌رو شویم بلکه با پدیده زیاد بودن قوانین برخورد کنیم. ما در سی سال بعد از انقلاب فرصت نکرده‌ایم که به این پدیده بپردازیم. از این رو باید هم به مسئله انباشتگی و هم به مسئله تعارض پرداخت.

نکته چهارم؛ آن بخش از قانون که به بشر (با علم و عقل محدود) مربوط می‌شود - به قوانین شرع و آنچه آموزه‌های وحیانی است کاری نداریم، آنها فرازمانی و فرامکانی‌اند و صحتشان در صحت آفرینش تضمین شده است - یعنی جاهایی که با عقل‌هایمان قانون وضع می‌کنیم، باید حتماً شاخص‌هایی داشته باشیم. صحت‌سنجی و ارزیابی قوانینمان از نظر مفید بودن کجا انجام می‌شود؟ سازوکار بازخورد قوانینمان کجاست؟ من یکی دو مثال بیان می‌کنم. شاخص‌های رقابت‌پذیری و ارزیابی بین‌المللی کشورها، که ایران هم در سه سال اخیر در این ارزیابی وارد شده، با استفاده از نظرسنجی‌هایی که از مدیران اقتصادی کشورها اخذ می‌شود، انجام می‌گیرد. یکی از ارکان این بحث، نهادها هستند. میزان کارآمدی سیستم دولتی در نهادها اندازه‌گیری می‌شود و پاسخ‌دهنده هم جزو فعالان

اقتصادی است. یکی از سؤالات، کارآمدی چارچوب قانونی برای حل و فصل دعاوی بخش خصوصی است که کشورمان در سال ۲۰۱۱، رتبه ۷۲ و در سال ۲۰۱۲، رتبه ۷۷ را داشته است.

سؤال دیگر از کارآمدی چارچوب قانونی برای به چالش کشیدن و پیگرد حقوقی تصمیمات دولتی این است که اگر شهروندی در جایی مشاهده کرد این قانون با حقوق بنیادینش در تعارض است، بتواند به نظام قضایی - با اتکا به قوانین - مراجعه کند؛ رتبه ایران در این پرسش، ۱۰۵ و سال بعد (۲۰۱۲)، ۱۰۴ بوده است.

شاخص دیگری نیز به نام شفافیت در سیاستگذاری‌های دولت وجود دارد. ایران در سال ۲۰۱۱ رتبه ۱۲۵ و در سال ۲۰۱۲ رتبه ۱۲۷ را داشته است. بنابراین یکی از ملاک‌ها برای ارزیابی قوانین این‌گونه بازخوردهاست. مکانیزم و سازوکار بازخوردهای ارزیابی برای فرایند قانونگذاری کجاست؟

نکته پنجم؛ قوانین وضع شده برای ماندن در کتاب نیست بلکه برای اجراست. نظارت‌مان بر اجرای قوانین تا چه اندازه است؟ چند درصد از قوانین ما به اجرا می‌رسند؟ سمیناری چند سال قبل برای گذر از یک برنامه پنج‌ساله و تدوین برنامه پنج‌ساله بعدی برگزار شد. در آن سمینار این سؤال مطرح شد که اصولاً درجه تحقق برنامه‌های پنج‌ساله چقدر است؟ و اگر ما برنامه‌ای نداشته باشیم و اقتصاد و کشور را به شکل اقتضایی اداره کنیم، چقدر فرق می‌کند؟ این سؤال درباره برنامه و کل قوانین هم صادق است. درجه تحقق قوانین ما کجا ارزیابی

می‌شود؟ یکی از وظایف اساسی و مهم قوه مقننه، نظارت بر اجرای قوانین است. در مقایسه بین وظیفه تولید قانون و نظارت بر اجرای آن، درصد تحقق و توفیقمان چقدر است؟ آن وقت است که اگر بخواهیم این موارد را جدی بگیریم، قوانین نظارت‌پذیر تصویب می‌کنیم و می‌کوشیم آن را کنار شاخص بگذاریم.

نکته ششم، بحث این همایش در قالب چند سؤال است؛ میزان ابتدای قانون بر پژوهش علمی چقدر است و چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ آیا قرار است در مجلس و کمیسیون‌ها کار متخصصان را انجام دهیم یا اینکه کار آنها را مورد ارزیابی قرار دهیم؟ آیا می‌خواهیم طبابت کنیم یا از میان نظرهای کارشناسی مختلف یکی را انتخاب کنیم؟ این تمییز، بسیار اساسی و حساس است و اگر قرار شد این کار را انجام دهیم، سازوکار تشخیص و احراز این امر کجاست؟

یکی از مسائلی که در قوانین ما وجود دارد، احراز انسجام است. به‌عنوان مثال وقتی قانون مالیات یا قانونی درباره سیاست‌های تجاری یا قانونی که مربوط به آموزش و پرورش است وضع می‌کنیم، نتیجه این مجموعه قانونی باید یک پیام به جامعه بدهد تا فعالان آن جامعه براساس این پیام، برنامه‌ریزی خودشان را ترسیم کنند. آیا این مجموعه قانونی، پیام واحد منسجم می‌دهد یا خیر؟ این مسئله در کجا احراز می‌شود؟ در حال حاضر در مجلس این‌گونه تصمیم‌گیری می‌شود، ابتدا متنی مطرح می‌گردد؛ سپس در کمیسیون و در صحن علنی این امکان وجود دارد که یکبار در بین غوغاهای بحث — که

معمولاً تصمیم‌گیری‌ها هم پرغوفاست - کسی پیشنهادی دهد و بخواهد مطلبی را حذف یا اضافه کند. واقعاً شایسته است که برای این فرایند، فکری بشود. احراز انسجام، فقط توسط متخصصان می‌تواند صورت گیرد.

در نسخه‌ای که یک طبیب می‌نویسد باید داروها باهم تداخل نداشته باشند. طبیب باید آن را تشخیص دهد و مسئولیتش را هم باید بپذیرد. در نظام پزشکی کشور ما و همه جای دنیا نیز همین‌گونه است. اگر صدمه‌ای حاصل شد، پزشک را به نظام پزشکی فرامی‌خوانند و متخصصانی درباره این امر که آیا طبیب در تشخیص خود منطبق با علم، نسخه نوشته است یا خیر، داوری می‌کنند. اگر این‌گونه نباشد مجازاتش می‌کنند و صلاحیتش رد می‌شود.

چرا در نظام قانونگذاری مان و یا در کشورداری مان این موضوع را مطالبه نمی‌کنیم که در هر مجموعه تصمیمی که می‌گیریم صحتش را سه یا پنج نفر متخصص آن رشته امضا کنند و اعتبار علمی، آبرو و حیثیت تخصصی‌شان را در گرو این مجموعه بگذارند. البته در این شرایط، مجلس ممکن است سه نسخه و سه نظر کارشناسی از سه مجموعه بگیرد، بحث کند و از بین آنها به یکی رأی دهد، اما دیگر در داخل نسخه ورود نمی‌کند. این مدلی دیگر از تصمیم‌گیری است.

در مباحث نظری نیز ممکن است جمعی از متخصصان اقتصادی تفکر کینزی داشته باشند، بعضی ممکن است، کلاسیک فکر کنند و بعضی هم نئوکلاسیک فکر کنند؛ این

گمان باطلی است که غیرمتخصصان خیال کنند که با کنار هم قرار دادن اجزایی که هر کدام به بسته‌های نظری جداگانه تعلق دارند، اختراع جدید کرده‌اند. اجماع حرف‌های متفاوت، تخصص می‌خواهد که از غیرمتخصص ساخته نیست.

ما باید صداقت و صراحت نظری داشته باشیم. از هر نسخه‌ای بپرسیم که بنیان نظری‌اش چیست؟ شفافیت علمی را در تصمیم‌گیری‌ها بالا ببریم. عیب نیست که ما وقتی با گزینه‌های مختلف روبه‌رو می‌شویم، بگوییم که از این سه گزینه، گزینه دوم خوب است. برای پنج سال هم تجربه می‌کنیم اگر جواب داد، ادامه می‌دهیم و اگر جواب نداد بعد از پنج سال برمی‌گردیم و گزینه دیگر را انتخاب می‌کنیم. اما این کار صداقت و صراحت نظری لازم دارد. پس دسته دیگری از پژوهش‌ها را لازم داریم که پژوهش‌های نظری محسوب می‌شوند.

نکته هفتم اینکه ما نوع دیگری از پژوهش را می‌خواهیم. بسیاری از قوانین برای عمل اجتماعی است. بسیاری از مسائلی که ما در جامعه‌مان با آن روبه‌رو می‌شویم در جوامع دیگر هم وجود دارد. جامعه بشری سنت‌هایی دارد که اینجا و آنجا ندارد. آیا ما، تحلیل‌های مقایسه‌ای بین جوامع به‌عنوان پشتوانه تصمیم‌گیری‌هایمان داریم؟ سفارش داده‌ایم؟ آیا پژوهش‌های تاریخی نسبت به آن موضوع انجام داده‌ایم؟ خیلی از ما حافظه‌های کوتاه‌مدت اجتماعی داریم. عین همین موضوع ۱۰ سال پیش، بیست سال پیش و پنجاه سال پیش هم بوده است. به‌عنوان مثال به همین بحث سیاست ارزی که در ماه‌های اخیر

واقعاً التهاب ایجاد کرد، بیندیشید. خواندن تاریخ خیلی مفید است. خیلی از سعی و خطاهایی که ما می‌کنیم دیگران در نسل‌های قبل انجام داده‌اند. بنده که رأی می‌دهم چه مقدار بر این سوابق تاریخی اشراف دارم. بنابراین، هم پژوهش تحلیل مقایسه‌ای و تجارب جوامع و هم پژوهش تاریخی لازم است.

نکته هشتم، ضرورت غربالگری قوانین است. بنده به ضرورت انجام پژوهش‌هایی با استفاده پژوهش در بازخورد اجرای قوانین اشاره کردم که مشکل انباشتگی را می‌توانیم حل کنیم. اما حتماً باید در مجلس شورای اسلامی نیز، اولویتی برای قانون‌زدایی و کاستن از قوانین در نظر گرفته شود.

دوره قبلی مجلس یک تصمیم بسیار خوب در قانون برنامه پنجم (ماده ۷۶) گرفت. کمیته‌ای شش نفره در حوزه اقتصاد تشکیل شد که وظیفه غربالگری را برعهده داشتند. قرار بر این شد که دو نفر از هر قوه بیایند و همه قوانین و مقررات اقتصادی را در پرتو سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مورد بازنگری قرار دهند. این یک کار انقلابی و بزرگ بود. کار مختصری نیز در دبیرخانه این ماده (۷۶) انجام شده است. بعضی از دوستان نظرشان این بود که تا به حال در کشور شبیه این کار انجام نشده است. همه قوانین و مقررات جمع‌آوری و در سیستمی قابل تطبیق، مقایسه شده است. برای اینکه مقدمه‌ای برای انجام وظیفه قانونی این کمیته (ماده ۷۶) فراهم شود، شبیه این کار در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی هم باید انجام شود.

کار بسیار بزرگ دیگری نیز در مجلس دوره قبل انجام شد

و آن تصویب قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار بود. چند مورد از مواد آن قانون، ناظر به این مباحثی است که عرض کردم. ماده (۱۱) آن، شورای گفت‌وگو را ایجاد کرده است که در آن سازوکار بازخورد قوانین تجربه می‌شود. ماده (۱۲) این قانون، به تشکل‌های اقتصادی حق قانونی داده است که نظراتشان را از طریق شورای گفت‌وگو به سه قوه انتقال دهند و در ماده (۱۳)، شورای گفت‌وگو را استانی کرده است. در ماده (۱۴)، همه ادارات و دستگاه‌های دولتی را مکلف کرده است که مسئول بهبود محیط کسب و کار را تعیین و منصوب کنند و وظیفه پاسخ‌گویی را نیز به عهده آنها قرار داده است.

قانونگذار برای بسیاری از این تکالیف، مهلت شش‌ماهه تعیین کرده است. من از این فرصت بهره می‌گیرم و از شما سؤال می‌کنم که بیش از هفت ماه از ابلاغ این قانون گذشته است، چه مقدار از آن عملیاتی شده است؟ گام‌های معدود و کوچکی را هم که برای پر کردن این خلأ و ارزیابی تحقق قوانینمان برداشته‌ایم، متأسفانه مبتلا به همین مشکل عدم اجرای قوانین شده است.

در پایان عرایضم پیشنهادی متواضعانه و خاضعانه برای قانونگذاران کشور دارم. اگر این آرزوی تاریخی روزی برآورده شود که هیچ قانونی و هیچ تصمیم و سیاستی در کشور ما به تصویب نرسد مگر اینکه پشتوانه آن قانون، امضا و تأیید جمعی از متخصصان باشد، به این معنا که آبرو و حیثیت علمی ما هم در گرو تصویب این قوانین است؛ تا زمانی که قبل از گرفتن نظر

۸۲ نقش پژوهش در فرایند قانونگذاری ...

کارشناسی ازسوی متخصصان متعهد، در فرایند تصمیم‌گیری  
- چه در دولت و چه در مجلس - تصمیمی گرفته نشود. شاید  
آن روز، روز بهتری برای کشور ما باشد. متشکرم.



سخنرانی آقای دکتر حسن  
سبحانی (استاد دانشکده اقتصاد  
دانشگاه تهران)



بسم ا... الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين. خدا را شکر می‌کنم که این توفیق برای من حاصل شد تا در خدمت دوستان باشم. معمولاً صحبت کردن در جمع بزرگان کار سختی است؛ اگر این بزرگان جزء محققان هم باشند، کار سخت‌تر است. بنابراین انتخاب موضوع هم تا حدودی مشکل است. به هر حال نکاتی به ذهنم رسید که بیان کنم و امیدوارم تناسب بیشتری با جلسه داشته باشد.

معمولاً تفکر، فرزاندگی، عشق ورزیدن به دانستن و آگاهی از جمله تعاریفی‌اند که برای فلسفه ذکر می‌کنند. البته خیلی‌ها می‌گویند همان بهتر که هیچ تعریفی از فلسفه ارائه نشود. اما، فرد یا کسانی علاقه‌مندند بیاموزند و مسئله‌های زندگی‌شان را - که می‌تواند مسئله‌های حیات هم باشد - پاسخ گویند، به عبارتی در جوهره تعریف فلسفه گنجانده شده است. در تحقیق، ما به دنبال شناختیم. شاید بتوان گفت همان حرکتی که در شناخت صورت می‌گیرد و نتیجه آن حرکت شناختی است، همان مقوله در فلسفه هم اتفاق می‌افتد. واقعیت‌هایی که به صورت عینی و غیرعینی وجود دارند؛ تصوراتی از آنها برای ما حاصل می‌شود و نمی‌دانیم که آیا آنچه را که درک می‌کنیم، همانی است که وجود دارد؟ بنابراین فعالیت‌هایی را در این‌باره

آغاز می‌کنیم تا به پاسخ این سؤال برسیم که آیا آنچه درک می‌شود مطابق با واقعیت است یا خیر؟

به‌عنوان مثال، شما الان مرا می‌بینید و حکم می‌کنید که فردی در اینجا صحبت می‌کند، یا من دوستان را می‌بینیم که به این صورت نشسته‌اند. سؤال این است که ما از کجا می‌فهمیم که مثلاً شما اینجا نشسته‌اید و گوش می‌کنید یا من اینجا ایستاده‌ام. بعضی می‌گویند ما شما را می‌بینیم که صحبت می‌کنید. بعضی می‌گویند که دیدن چون با فاصله است، نمی‌تواند عامل شناخت بشود. سپس توضیح می‌دهند که تصویری از فرد یا صحنه‌ای، چشم را متأثر می‌کند و من آن تصویر را می‌بینم. با توجه به اینکه آن شیء، واقعیت بیرونی (مانند حجم، جسم، وزن، ارتفاع، قد و غیره) دارد و آنچه در چشم من وجود دارد ابعاد کوچک میلی‌متری و شاید هم کمتر از آن را دارد، سؤال این است از کجا معلوم که آن تصویر، حامل این واقعیت بیرونی باشد؟ عده‌ای در پاسخ می‌گویند که اصلاً نمی‌تواند این‌گونه باشد. بعضی‌ها می‌گویند که می‌توانیم از همین تصویر کوچک، واقعیت بیرون را درک بکنیم. اگر ادراک من از تصویری که در چشمم وجود دارد صددرصد مطابق واقعیت بیرونی باشد، می‌توان گفت که من به حقیقت رسیده‌ام. بنابراین، حقیقت عبارت است از ادراک مطابق با واقعیت. قاعدتاً آنچه فلاسفه هم دنبال می‌کنند رسیدن به حقیقت است؛ رسیدن به صورت کامل و صددرصد به آنچه واقعیت دارد. جدال روش‌ها از اینجا به بعد آغاز می‌شود؛ یعنی چه روشی در

شناخت می‌تواند این واقعیت را بیشتر از دیگران بنمایاند تا یقین صددرصدی حاصل شود.

توجه دارید که گاهی در علوم این درصدها حاصل نمی‌شود و اغلب با ۷۰ یا ۸۰ درصد ما می‌توانیم واقعیت را شکار بکنیم و بقیه‌اش هم حدسی - گمانی است. به همین دلیل گفته می‌شود که مثلاً در علوم تجربی، تئوری، ادعای حقیقت‌گویی ندارد؛ ما ظن داریم یا حدس می‌زنیم. کتابی در این زمینه از کوپر به نام *حدس‌ها و ابطال‌ها* وجود دارد که مرحوم احمد آرام آن را ترجمه کرده است. یعنی همان نظریه‌ها، حدس‌های ما را تشکیل می‌دهند و هر زمان هم امکان دارد ابطال شوند؛ البته نه با یک روش بلکه روش‌های متعددی وجود دارند.

فیلسوف در جست‌وجوی حقیقت است. محقق هم چون در جست‌وجوی حقیقت است، به نوعی کار فیلسوف را انجام می‌دهد؛ البته آن موضوعی که تحقیق می‌کند تا حدودی برایش محدودیت‌های خاصی به همراه می‌آورد. اگر فیلسوف دنبال کشف حقیقت است، سیاست‌مدار دنبال چیست؟ در گذشته می‌گفتند که سیاست‌مدار یا دولت همانند خیری است که به دنبال خیر عمومی است. اکنون در بسیاری از نظریه‌های انتخاب عمومی گفته می‌شود که سیاست‌مدار هم دنبال منافع خودش است؛ هرچند ممکن است این منافع از طریق تأمین منافع مردم به دست آید؛ مثلاً ما با پایین آوردن نرخ تورم، تلاش می‌کنیم تا مردم راضی باشند و بعد به ما رأی بدهند تا یک مرحله دیگر هم در قدرت باشیم. یعنی دولت خیر، جای

خودش را به دولت منافع گستر یا منافع جست‌وجوگر داده است. البته این منافع یا مصالح به چه صورت تعریف می‌شوند، بحث‌های خودش را دارد، اما آنچه به‌نظر می‌رسد و در این جغرافیا علاقه‌مندیم رخ بدهد این است که سیاست‌مدار منافی را دنبال کند که حقیقت باشند. نقطه تلاقی فیلسوف با سیاست‌مدار اگر به این صورت باشد، می‌شود گفت که هر دو، عدالت را جست‌وجو می‌کنند. بنابراین، حقیقت مورد جست‌وجو همان عدالت مورد جست‌وجوست.

اگر هدف حکومت یا تشکیل دولت‌ها - به تعبیری که ما در نظام سیاسی خودمان داریم - تأمین عدالت است، سیاست‌مداران قاعدتاً باید در جست‌وجوی حقیقت باشند. بدین معنا که از مسائل درکی مطابق با واقعیت داشته باشند. از اینجاست که کار پژوهشگران آغاز می‌شود؛ یعنی کمک کردن به سیاسیونی که برای کشف یا رسیدن به حقیقت، مأموریت‌هایی در وجوه مختلف دارند. ما برای قانونگذاری یا تصمیم‌گیری، منطقه گسترده‌ای داریم که این منطقه در اختیار مقامات هم قرار دارد و ما با رعایت یک‌سری اصول، تصمیم‌گیری می‌کنیم. وقتی که محقق در فهم واقعیت‌ها به سیاستگذاران کمک کند، آنها نیز منافع را منطبق بر واقعیت‌ها می‌بینند. اگر نگاه ما این‌گونه باشد، می‌توان گفت قانونگذار یا سیاست‌مدار یا تصمیم‌گیرنده، واقعیت‌های محیطی خودش را فهمیده است. ما در نظام قانونگذاری خودمان زیاد تصمیم‌گیری می‌کنیم ولی چون گاهی مبتنی بر جست‌وجوی حقیقت نیست، قوانینمان راه به جایی

نمی‌برند چون در واقعیت، قوانینی وجود دارند که قانونگذار حتماً باید براساس آن قوانین، قانونگذاری کند.

مثلاً قانونگذار می‌تواند برای عبور از چراغ قرمز، قانون بگذارد و بگوید که اگر کسی از آن عبور کرد، جریمه‌اش می‌کنیم. این قانون عملیاتی می‌شود؛ یعنی مجری می‌تواند کسی را که از چراغ قرمز عبور کرده است را جریمه کند. ولی اگر مثلاً قانونگذار قانونی وضع کند که اگر در جایی شبکه برق باشد و جریان برق نیز وصل باشد، فردی هم بدنش ویژگی برق‌گرفتگی موقع دست زدن به جریان برق را نداشته باشد، آن موقع قانونگذار صددرصد - نه ۵۰ درصد به‌علاوه یک - رأی دهد که جریان برق آن فرد را دچار برق‌گرفتگی نکند؛ بدیهی است که این قانون اجرایی نمی‌شود. چون برمبنای واقعیت‌های جریان بدن، برق و غیره تهیه و تدوین نشده است.

بنابراین می‌توان گفت بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ما، که بسیار مشمول قانونگذاری هم قرار گرفته‌اند یا مورد تصمیم‌گیری دولت و سیاستیون بوده‌اند، از آن جهت حل نمی‌شوند یا گره بر گره اضافه می‌کنند که تصمیم‌گیران، قوانین حاکم بر آن پدیده‌ها را آن‌طور که باید نمی‌بینند و آن‌گونه که فکر می‌کنند باید باشد، می‌بینند. البته خودشان در این امر کارشناس نیستند، از این‌رو کارشناس بایستی به آنها کمک کند تا به واقعیت دسترسی یابند. البته اگر واقعیت، واقعیت مبهمی بود باید به‌موجب قانون یا تصمیم حکومتی سیاستگذاری بکنند تا این ابهام رفع شود.

ما موارد بسیاری از این کاستی‌ها داریم که می‌توان درباره آن صحبت کرد. به‌عنوان مثال قانونگذاران یا سیاستگذاران به‌طور مکرر درباره مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تصمیم‌گیری می‌کنند. نظرشان هم این است که این تصمیمات منافع ملی ما را تأمین می‌کنند. اما به‌راستی منافع ملی چیست؟ منافع ملی دربرگیرنده ابعاد و آثار مختلفی است که طی زمان بایستی از خودش تعریفی ارائه کند و وجوه مختلف جریان‌های کشور را نشان دهد، می‌توان گفت ما برای منافع ملی این‌گونه تصمیم‌گیری می‌کنیم ولی آن روش چیست؟

بعید می‌دانم در جمهوری اسلامی کسی باشد که بگوید ما در این زمینه‌ها تحقیقات سنجیده و حساب شده‌ای داریم که یا در اختیار سیاستگذار است و یا سیاستگذار و قانونگذار فرصت استفاده از آنها را دارند. حالا فرض می‌کنیم سیاستگذار این فرصت را دارد و محققان نیز نتایج تحقیقات را در اختیار آنها گذاشته‌اند. در کشور هم سیاستگذاری اقتصادی می‌شود. هر سیاست اقتصادی به معنای تدبیر در نحوه تخصیص منابع است و علاوه بر اینکه حاملانی دارد؛ ابزارها، اهداف و آثاری نیز به دنبال دارد. به‌عنوان مثال، تصمیم‌گیری برای بالا بردن حقوق کارمندان دولت یا تأمین اجتماعی می‌تواند به کاهش درآمد، پایین آوردن میزان مالیات، افزایش تقاضای مصرف‌کننده، تعطیلی یا رونق کارخانه‌ها و ده‌ها مسئله دیگر منجر شود. ترسیم لایه‌های متفاوت این تصمیم را که مثل سنگی در استخر آب، امواجی را فراهم می‌کند و به‌طور مستمر روی هم



سوار می‌شوند، هیچ‌کس جز کسانی که کارشان پژوهش در این زمینه است و می‌دانند دنبال چه می‌گردند، نمی‌تواند به قانونگذار تفهیم کند.

در زمینه عدم مغایرت قوانین که توسط شورای نگهبان تصمیماتی گرفته می‌شود - تا با شرع و قانون اساسی مغایر نباشد - یک مثال بیان می‌کنم. اصل (۷۵) قانون اساسی بیان می‌کند که نمایندگان مجلس نمی‌توانند تصمیماتی بگیرند که بار مالی داشته باشد و شورای نگهبان اگر این تصمیمات را ببیند، رد می‌کند. حالا باید به نمایندگان، شورای نگهبان، هر دو یا به دولت گفته شود که «بار مالی نداشته باشد» یعنی چه؟ واقعیت این قضیه چیست؟ می‌توان گفت بار مالی نداشته باشد یعنی اینکه اگر دولت بگوید من تأمین می‌کنم، تأمین شده است. می‌شود هم گفت که بار مالی استخدام پنج هزار کارمند، همانی نیست که دولت در بودجه پیش‌بینی می‌کند بلکه، عبارت است از پنج هزار نفری که در مدت سی سال کار می‌کنند و بعد از بازنشستگی نیز خودشان یا بعد از فوتشان وراثت، حقوقشان را دریافت می‌کنند؛ این هم می‌تواند بار مالی باشد. واقعاً بار مالی کدام‌یک از این موارد است؟

شاید یکی از دلایل قفل شدن بودجه‌هایی که هزینه‌های دولت را تشکیل می‌دهند، نگاه‌هایی از این قبیل - مثلاً داشتن بار مالی در تأمین مالی طرح‌های اقتصادی - است. من نمی‌گویم حتماً این دومی است، ولی می‌خواهم بگویم این‌طور نیست که مسئله خیلی ساده باشد و انسان متوجه پیامد کارش نباشد.

تبیین تحولات ناشی از اجرای قوانین که مقوله بسیار مسکوتی است، در شناخت حقیقت به ما کمک می‌کند. ما خیلی تلاش می‌کنیم که قانون وضع کنیم، اما نمی‌کوشیم تا آثار اجرای قوانینمان را در رده‌های مختلف و بر منافع توده‌های مردم بسنجیم و اینکه قوانینی که اجرا می‌شوند اقشار مختلف مردم را متوجه چه امری می‌کنند؟ یک تصمیم ارزی چه کسانی را و به چه میزان و در چه اندازه‌هایی از ثروت برخوردار می‌کند و چه کسانی را و در چه اندازه‌هایی برای رسیدن به احتیاجات اولیه خود، دچار مشکلات دوجندان می‌کند؟

ما احساس می‌کنیم و می‌گوییم تورم بالا رفته است ولی این موضوع که چگونه و چه کسانی از این تورم متأثر می‌شوند و برایش چه کاری می‌توان انجام داد، مورد تحقیق قرار نمی‌گیرد. بنابراین، کسانی که در آغاز قانونی را تصویب می‌کنند، عمدتاً پیامدهای بعدی آن را نمی‌بینند و حتی بعداً هم اطلاعاتی در اختیارشان گذاشته نمی‌شود تا برای اصلاح آن، تصمیم بایسته‌ای بگیرند؛ پس تصویب یا متوقف می‌شود.

بسیاری از افراد هم به علت فقدان نگاه‌های این‌چنینی، رد پای مسائل فرهنگی را ممکن است در فعالیت‌های فرهنگی جست‌وجو کنند، در حالی که براساس تحقیقات، بین فرهنگ و فعالیت فرهنگی تفاوت از زمین تا آسمان است. ما به فعالیت‌های فرهنگی، فرهنگ می‌گوییم و از مجرای فعالیت فرهنگی، فرهنگ را جست‌وجو می‌کنیم. در حالی که فعالیت‌های فرهنگی همان‌قدر می‌توانند در تولید مشارکت کنند که

فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی یک کشور در تولید نقش دارند. در تولید فرهنگ هم قطعاً سیاست خارجی همان قدر می‌تواند نقش داشته باشد که تولید یک فیلم سینمایی نقش دارد.

کلام آخر اینکه، این روند قانونگذاری نه تنها در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، بلکه در مجمع تشخیص مصلحت نظام هم مطرح است. مطابق قانون اساسی، اگر مقوله‌ای قرار شد به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود، نمایندگان مجلس اول باید تشخیص دهند که این کار به مصلحت است یا خیر. اما مصلحت چیست؟ یعنی ملاک و معیار تشخیص مصلحت چیست؟ آیا اگر مقوله‌ای مانند ربا در مناطق آزاد وجود داشت به مصلحت کشور است یا خیر؟ ملاک و معنایش چیست؟ ما از مصلحت، مثل عدالت احساس خوبی داریم. وقتی می‌گوییم به مصلحت است به ذهن خودمان رجوع می‌کنیم و می‌گوییم به مصلحت است. ولی واقعاً اداره امور مردم به همین سادگی است که شما بخواهید تصمیم بگیرید برای دوره‌ای مثلاً شرع و قانون اساسی را اجرا نکنید، متوقف بکنید یا حتی خلافش عمل کنید؛ این ملاک چگونه تبیین می‌شود تا به تصمیم‌گیر بفهماند که آیا واقعاً مصلحت است این‌گونه شود؟ جای خالی بسیاری از این موارد در تحقیقات ما وجود دارد.

البته از گزارش‌های ساده گرفته تا پژوهش‌های کمی؛ طیفی از رویه‌ها وجود دارد، اما مواردی که بیان کردم، به نظر من، برخی از مجموعه احتیاجات بسیار فوری نظام سیاسی و تصمیم‌گیری ماست.

از خداوند بزرگ درخواست می‌کنم همه پژوهشگران را کمک کند تا به حقیقت نزدیک شوند و سیاسیون ما هم، حقیقت را آن‌طور که باید، بیابند تا با اجرایش به عدالت نزدیک شوند. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.

سخنرانی آقای دکتر رضا  
روستا آزاد (رئیس دانشگاه  
صنعتی شریف)



بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين، والله خير ناصر و معين.  
من سال‌های طولانی با مرکز پژوهش‌ها همکاری داشته‌ام و با  
نوع فعالیت عزیزان در این مرکز آشنایی دارم. چالش مهمی که  
همیشه وجود دارد این است که آیا نمایندگان مجلس به‌عنوان  
وکلا، یا سایر تصمیم‌گیران علاقه‌مندند بدانند یا خیر؟ بعضی  
اوقات وکلای عزیز یا تصمیم‌گیران، اصلاً دوست ندارند که بدانند.  
بنده یک بار به‌عنوان مشاور، جایی دعوت شده بودم که  
درباره احداث صنعت در منطقه‌ای مشاوره بدهم. محاسبات،  
اطلاعات و گزارش‌ها مشخص می‌کرد که احداث آن صنعت در  
آن منطقه صحیح نیست اما عده‌ای اصرار داشتند که حتماً این  
کار باید انجام شود. بحثی را آنجا مطرح کردم که اگر شما  
اصرار بر این کار دارید پس مسئله علم، پژوهش، محاسبات و  
مبانی علمی را برای چه می‌خواهید؟ برداشت من از آن مشاوره  
این بود که اگر محاسبه، علم و پژوهش در راستای تصمیم از  
قبل گرفته شده باشد، از طرف مخاطبان پذیرفته می‌شود ولی  
اگر این‌گونه نباشد پذیرفته نخواهد شد.

در دنیای امروز، یکی از شاخص‌های بسیار مهم یک  
جامعه و ملت این است که چقدر در تصمیم‌ها و اعمالشان  
براساس علم و دانش تصمیم می‌گیرند. در فرایند تاریخی، بشر

به این نتیجه رسیده است که برای نفع خودش هم که شده اول بایستی در جامعه قوانین خوب حاکم باشد، سپس اجرا و نظارت شود. صرف اینکه ما قانونگذاری کنیم کافی نیست بلکه التزام به اجرای آن نیز اهمیت دارد. به یاد دارم که در یکی از برنامه‌های تلویزیونی (صندلی داغ) که آقای مهندس باهنر به‌عنوان نایب‌رئیس مجلس مهمان برنامه بود، اظهار کرد: ما ۱۰ برابر یک کشور غربی قانون داریم، ولی به یک‌دهم آنها هم عمل نمی‌کنیم. این مسئله مهم است.

امروزه بحث رقابت‌های سنگین قدرت در جهان مطرح است. دوستان می‌دانند که لازمه قدرتمند شدن در عرصه رقابت این است که جهان خلقت را بهتر بشناسیم تا براساس آن بهتر قانون بنویسیم و درست اجرا کنیم. قرآن هم اشاره خوبی به این موضوع دارد و خطاب به انسان می‌فرماید: ای بشر، تو اگر می‌خواهی از طول و عرض هستی بالا بروی، سماوات را درنوردی، می‌توانی این کار را انجام دهی، انجام بده ولی حواست باشد که این کار محقق نمی‌شود مگر به سلطان. حالا سلطان چیست؟ در نهج‌البلاغه آمده است: «العلم هو السلطان». سلطان همان علم است.

اروپایی‌ها، ژاپنی‌ها، مردمان آسیای جنوب شرقی، چین، آمریکا و روسیه برای‌شان ملموس است که اگر می‌خواهند قدرتمند شوند و در این دنیای بسیار رقابتی از دیگری سبقت بگیرند، باید به حقیقت هستی پی ببرند و واقعیت‌ها را ببینند و براساس آنها، قانونگذاری کنند. هر کشوری که بخواهد، می‌تواند



این‌گونه باشد. فطرت هستی چنین است که این دنیا را دست‌به‌دست بین مردم می‌گرداند. روزگاری کسی جرئت نزدیک شدن به اهرام مصر را نداشت، اکنون شترها توریست‌ها را در آنجا می‌گردانند درحالی‌که فرعون در آنجا مومیایی شده و آرمیده است. پس اکسیر اقتدار آن است که من تمایلات نفسانی خودم را کنار بگذارم و نه «ذهنی» بلکه «عینی» عمل کنم. ببینم هستی و خلقت چه می‌گوید و من بنده‌اش باشم؛ این همان جوهر اسلام و ایمان است.

اسلام جز تسلیم حق شدن نیست و تسلیم حق شدن یعنی آنکه بتوانی خودت آزاد شوی تا بنده خدا باشی. بندگی خداست که ما را به تسلیم در برابر حق می‌رساند، از خودمان آزاد می‌کند و این، همان جوهری است که در اسلام می‌گوید. به همین دلیل هم «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» است. اسلام به‌طور مستمر مقامش بالاتر می‌رود. یعنی حتی کافرترین فرد هم برای حفظ دنیای خودش، آن را در اسلام می‌بیند نه به خاطر اینکه به آن ایمان دارد، برای اینکه می‌داند اگر بخواهد مقتدر باشد، مرفه باشد، وضعش در رقابت با سایر رقبایش بهتر باشد، باید اولین کاری که می‌کند اختیار نفس خود را داشته و بنده حق باشد.

اتفاقاً الان همایشی به نام مطالعات علم و فناوری<sup>۱</sup> در ژاپن برگزار می‌شود که خود آنها مبدع آن هستند و شبیه به آن هم در امارات به نام «Data Matrix» تشکیل می‌شود. مطالعات علم و

---

1. Science and Technology Studies (STS)

فناوری ژاپن، منشوری دارد که می‌گوید: دنیا و خلقت براساس این فطرت باید بگردد چه من مؤمن باشم و چه غیرمؤمن. اخیراً خبرنگار چینی با نخست‌وزیر این کشور مصاحبه می‌کرد. خبرنگار پرسید: آیا شما هنوز کمونیستید؟ گفت: بله، هنوز کمونیستیم. خبرنگار سؤال کرد: اما شما این کارهایی که انجام می‌دهید، اقتصاد لیبرالی است؟ او پاسخ داد: ما براساس اقتصاد لیبرالی عمل می‌کنیم، اما هنوز کمونیستیم و به آن وفاداریم. دنیای سیاست این‌گونه است؛ حتی کافر هم می‌داند که راه رسیدن به اقتدار، قدرت، رفاه و عاقبت بخیری در دنیا - اگر به آخرت هم اعتقاد نداشته باشد - یک راه بیشتر نیست و آن، رسیدن به حق است.

معاویه هم حقانیت حضرت امیرالمؤمنین (ع) را می‌دانست. داستان تاریخی‌اش را شنیده‌اید. وقتی نزد معاویه مردی از سجایای حضرت علی (ع) سخن می‌گفت، معاویه هم در تأیید حرف او گفت: انصافاً که ابوالحسن این‌طور بود. حق، مسئله‌ای نیست که کسی بتواند آن را انکار کند. زیرا خداوند فرموده است: «الست بربکم قالوا بلی». یعنی فطرت انسان که خداوند خودش بر این انسان عرضه داشته و از آن سؤال کرده و اقرار هم گرفته است. «الست بربکم»، آیا من رب تو نیستم؟ «قالوا بلی»؛ پس همه انسان‌ها به صورت فطری - اگر کافرترین و ناپاک‌ترین فرد هم باشند - در عمق وجودشان، حق و حقیقت را قبول داشته و به آن التزام دارند. ژاپنی‌ها در همایش سالیانه‌شان، افراد مشهوری را از سراسر جهان دعوت می‌کنند و صحبت‌های جالبی دارند.

آنها می‌گویند: شاکله هستی و فطرت هستی تعارف ندارد و کسی که می‌خواهد به جایی برسد، باید این مهم را شناخته و به آن عمل کند. اگر ما در کنفرانس‌های بین‌المللی این مسائل را بشناسیم، مدونشان سازیم، آیین‌نامه صادر کنیم و دستورالعمل بدهیم، دیگر نیازی به بخشنامه نخواهد بود و کسانی که این واقعیت‌ها را درک کرده‌اند، حتماً از آنها تبعیت خواهند کرد.

بنابراین، اگر مرکز پژوهش‌های مجلس کارش را درست انجام دهد و خلقت و جوهر اصلی خلقت را بتواند در مطالعاتش به‌عنوان تصمیم‌ساز لحاظ کند و وکلای عزیز نیز با این رویکرد تصمیم‌گیری کنند، می‌توان التزام به اجرای قانون را نیز از دولتمردان انتظار داشت. ان‌شاءالله روزی خواهد رسید که بسیاری از این اختلاف‌نظرها بین دولت و مجلس و دستگاه‌های دیگر به‌صورت بنیادی و زیربنایی با بصیرت و دستیابی به عمق مسائل حل شود. متشکرم. والسلام علیکم ورحمة‌الله.

## تصاویر









